

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصلنامه تخصصی انجمن علمی دانشجویی برنامه ریزی آمایش سرزمین

برنامه ریزی فضایی

صاحب امتیاز: انجمن علمی - دانشجویی برنامه ریزی آمایش

سرزمین (معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه تربیت مدرس)

مدیر مسئول: علی مختاری کرچگانی

سردبیر: آرام ابراهیمی

اعضای هیئت تحریریه:

علی مختاری کرچگانی، آرام ابراهیمی، فرض الله نظری شیوا الطافی، فرشته شکیبایی، وحید عیوض زاده، زینب فیض الهی، بهاره ایمانی، فاطمه جعفر دوست، نجمه باقری، علی پور عزیزی، یعقوب آستا

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

شمارگان: ۵۰ نسخه

شماره مجوز: ۱۹۳ ۵/۳۲۶۸۸

این نشریه دارای مجوز با شماره ۱۹۳ ۵/۳۲۶۸۸ به تاریخ ۱۳۹۵/۱۰/۲۲ از معاونت فرهنگی اجتماعی دانشگاه تربیت مدرس است.

فهرست

رسالت کانون های فکری دانشگاهی / ۳

بررسی روند تحولات مفهومی آمایش سرزمین / ۶

ایجاد تاب آوری روستایی، ضرورتی در توسعه پایدار / ۱۱

جایگاه نظام مدیریت زمین در مطالعات آمایش سرزمین / ۲۰

بررسی توانمندی ها و راهکارهای توسعه گردشگری روستایی / ۲۴

تحلیل فضایی نظام شبکه ای استان کردستان / ۳۱

معرفی انجمن علمی دانشجویی برنامه ریزی آمایش سرزمین / ۳۷

دکتر عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری

دانش‌آموخته رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی در مقطع کارشناسی‌ارشد و دکتری از دانشگاه تربیت‌مدرس تهران در سال ۱۳۷۱ می‌باشند. در حال حاضر ایشان به عنوان استاد و مدیر گروه جغرافیا دانشگاه تربیت مدرس مشغول به فعالیت هستند. عضویت در انجمن جغرافیدانان ایران، عضو انجمن علمی بازرگانی ایران، عضو NGO توسعه روستایی ایران، عضو کمیته برنامه‌ریزی علوم جغرافیایی وزارت علوم تحقیقات و فن‌آوری، عضو قطب علمی مطالعات و برنامه‌ریزی روستایی و همچنین عضو هیات تحریریه چندین مجله علمی از اهم فعالیت‌های ایشان می‌باشد.



دکتر زهرا احمدی‌پور

دانش‌آموخته در رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری ۱۳۷۰ در کارشناسی‌ارشد و جغرافیای سیاسی در مقطع دکتری ۱۳۷۶ از دانشگاه تربیت مدرس می‌باشند. در حال حاضر ایشان استاد گروه جغرافیا دانشگاه تربیت مدرس مشغول به فعالیت هستند. عضویت در کارگروه‌های علمی تخصصی چون رئیس کمیسیون علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، عضو هیات ممیزه دانشگاه تربیت مدرس، عضویت در قطب جغرافیای سیاسی، سردبیر فصلنامه ژئوپلیتیک، هیات تحریریه فصلنامه برنامه‌ریزی آمایش فضا، داوری مجلات متعدد در زمینه جغرافیای سیاسی و آمایش سرزمین، داوری طرح‌های جشنواره خوارزمی و فارابی، عضویت در سمت‌های اجرایی چون مدیر کل دفتر تقسیمات کشوری، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری بخشی از فعالیت‌های ایشان است.



دکتر حسن احمدی

دانش‌آموخته رشته جغرافیای انسانی کارشناسی‌ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستای در واحد آزاد علوم و تحقیقات تهران و دکتری برنامه‌ریزی آمایش سرزمین در میسور هندوستان در سال ۱۳۹۰ می‌باشند. در حال حاضر ایشان عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس (گروه جغرافیا، رشته برنامه‌ریزی آمایش سرزمین) تهران، از ۱۳۹۰ تا کنون هستند. و داوری چندین مجله را به عهده دارند (برنامه‌ریزی آمایش فضا، مجله آمایش فضا، دوفصلنامه پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری)



رسالت کانون‌های فکری دانشگاهی

عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری؛ استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس تهران

واکوی‌ها نشان می‌دهد از یادگیری و زندگی شرافتمندانه به عنوان یک حق انسانی ایده تمام علوم توسعه‌ای است که نیازمند عنصری نیرومند در فرآیند یادگیری هستند، یاد می‌شود.

این گزاره، روزه‌روز در علوم آمایشی نیز بیشتر مورد پذیرش قرار می‌گیرد. زیرا احساس می‌شود که تغییر و تحول از طریق توسعه امکانات و منابع با دانش چگونگی تولید، بهره‌برداری و یا نگهداری و مراقبت از آن‌ها امکان‌پذیر می‌شود. در این راستا، سرمایه انسانی دانش‌مبنا در آمایش نشان‌دهنده درجه توانایی‌های علمی و فنی و حرفه‌ای و فکری ذینفعان آمایش یک کشور است.

تا جایی که نسبت کاربری این تواناییها به کل جمعیت به عنوان، ضریبی برای سنجش ظرفیت بالفعل توسعه پذیری محسوب می‌شود. در این چارچوب «بهبود کیفیت سرمایه انسانی آمایش گر کشور به معنای افزایش توان نیروی جامعه یا «توسعه اجتماعی» است. این پیشرفت خود عامل توسعه‌دهنده اقتصاد کشور است. چنین رهیافتی به آموزش علمی در آمایش و عوامل آن، در حقیقت مقابله با نیروها فرسایش‌دهنده نیروی انسانی و سرمایه‌های فکری و نیرومند کردن سپهر تولید ملی است. اما باید توجه داشت آموزش که در ماهیت به عنوان سرمایه‌گذاری پنهان در جامعه مطرح است بازدهی سریع و عینی ندارد بلکه، در طول زمان تأثیرات متنوعی از خود برجای می‌گذارد که با آن جامعه ساخته می‌شود.

در واقع هر برنامه آموزشی آمایش مناسب که هدفش کمک به توسعه واقعی و مشارکت مردم در جامعه باشد به یقین از نظر بُعد آموزشی به شکلی وسیع سرمایه‌گذاری می‌کند. این نوع آموزش می‌تواند با شکل‌های جدید تقاضا، تأثیرات اقتصادی بسیار مهمی بر روند توسعه داشته باشد. به همین دلیل تفکیک هزینه‌های واقعی و بازده آموزشی به سادگی امکان‌پذیر نیست.

منظور از آموزش آمایش، حرکتی نظام‌دار برای آگاه‌نیدن مردم است که به صورت رسمی در قالب کلاس و مدرسه و دانشگاه و یا به صورت غیررسمی در قالب فعالیت‌های ترویجی و اشاعه تکنولوژی تولید، انجام می‌شود؛ تا بستر عملکرد اقتصادی، مناسب را فراهم سازد و به بهبود رقابت‌پذیری و خلق رقابت‌های جدید و حفظ موقعیت و جایگاه کشور کمک کند و توزیع قدرت را در ایران بر اساس دانایی مبتنی بر آمایش نهادینه سازد و شیوه زندگی با کیفیت و شرافتمندانه در تراز جهانی را هموارتر کند. سیاست‌های عمومی علمی کشورها در این چارچوب با شبکه‌ای کردن آموزش و تحقیقات و همکاری و هم‌کوشی میان مربی و محقق و یادگیرنده (نهاد تحقیقاتی/آموزشی) با سیاست‌گزاران و مردم و شبکه‌ای کردن سیاست‌های عمومی ملی برای عرضه کالاهای عمومی آمایش، مدل دانش اجتماع محلی، چارچوب شبکه‌های دانش، رویکرد گفتمان اجتماع فراملی، تقویت تحقیق و تفکر در سیاست‌گذاری‌ها، تشریح مساعی علمی و ایجاد و شکل‌گیری باورها و پیوستگی باورها و چشم‌اندازها همانند گفتمان‌های بین‌المللی و ملی، بین‌دانشگاهی و درون‌دانشگاهی، تقویت قدرت سیاست‌گذاری‌ها از طریق قدرت علمی و تحقیق مشارکتی، سازگاری لازم میان شرایط سطح ملی با شرایط متغییر جهانی را نهادینه می‌سازند و سیاست‌های توسعه پایدار را تقویت می‌کنند. در واقع، در هم‌آمیزی تجربیات، بین‌دانشگاهی و درون‌دانشگاهی در گستره ملی آموزش و تحقیق و فناوری با تجربیات جهانی از طریق تقویت کانون‌های فکری و شبکه‌ای کردن آن‌ها به عنوان یکی از سیاست‌های کانونی و استراتژیک سیاست‌های عمومی علمی تلقی می‌شود. در این چارچوب، دلایل توجه به کانون‌های فکری از جمله آمایش و شبکه‌ای کردن آن را می‌توان در چهار کارکرد آن مورد توجه قرار داد:

۱. قلمداد کردن کانون‌های فکری و شبکه‌های فکری آمایش به مثابه پل و حلقه پیوند سازگاری سیاست‌های ملی با سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی و تقویت‌کننده ظرفیت‌ها و توانایی‌های علمی و کاهش شکاف علمی آمایش
۲. تلقی کانون‌ها و شبکه‌های فکری آمایش به مثابه چرخه تعادل بخش جوامع مدنی با حکومت‌ها و مردم به منظور تقویت همبستگی‌ها و حمایت‌های اجتماعی و سیاسی برای انجام و اصلاح سیاست‌ها

۳. قلمداد کردن کانونها و شبکه‌های فکری آمایش به مثابه زیربنای اندیشه و فکری و کانالهای ارتباطی میان سیاست‌گزاران و نهادهای آموزشی و تحقیقاتی و فناوری به منظور تسهیل جریان دانش آمایش به سوی سیاست‌گزاری‌ها

۴. تلقی کردن کانون‌ها و شبکه‌های فکری آمایش به مثابه نهاد قانونی کردن استوارنامه و پیمان‌نامه‌های مربیان، محققان، و دانشجویان و مرجع قانونی برای داوری، ارزیابی و حل مسایل و ...

این شبکه‌ها به مثابه انجمن‌ها، نهادهای آموزشی و تحقیقاتی و فناوری، کانون‌ها و شبکه‌های فکری سه هدف، ایجاد و تاسیس شبکه‌ها، مشارکتی کردن علم و تحقیقات و به‌کارگیری دانش و یافته‌ها تحقیقاتی در حل مسایل و کاهش سندرم‌ها و تقویت نهادهای تصمیم‌گیری را دنبال می‌کنند.

پس می‌توان گفت که علوم آمایش، نقش‌آفرینی در سیاست‌گذاری ملی و منطقه‌ای و جهانی توسعه، تقویت سیاست‌های توسعه پایدار در گستره جهانی از جمله گستره ملی، و منطقه‌ای و محلی، مشارکتی کردن اطلاعات و تقویت ظرفیت‌های آموزش و تحقیق و فناوری، تولید مشترک دانش در سطوح ملی، و منطقه‌ای، ارتقای دانش و توزیع آن در گستره ملی، و منطقه‌ای و کاهش شکاف‌های دانش در کشور، مرتبط و پیوند دادن تجربیات ملی آموزش و تحقیق و فناوری و تجربیات جهانی تحت عنوان فرا رسالت بین‌المللی آموزش و پژوهش و فناوری، ارتقابخشی به خدمات توسعه‌ای آموزش و تحقیق و فناوری آمایش و نهادینه‌کردن خدمات‌رسانی در اجتماع محلی (Community Service) به عنوان رسالت جدید نهادهای آموزشی - تحقیقاتی و فناوری (علمی) و کاهش شکاف دانش (Knowledge gaps) آمایش از طریق توزیع مناسب دانش در میان استان‌ها و کشور (آمایش علمی)، افزایش انگیزه، علاقمندی‌ها در گستره سرزمین برای ورود نظامند به منظور تحلیل مسایل جهانی منطقه‌ای و ملی آمایش و گسترش دانش‌آموختگان و محققان وظیفه‌شناس آمایش‌اندیش جهانی و ایران و با اخلاق، نهادینه‌کردن مشارکت میان تولید دانش (تحقیق) با توزیع و انتشار آن (آموزش و ترویج) و انتقال آن به جامعه از طریق نهادهای مشاوره‌ای و شبکه‌های مشاوره‌ای پژوهش، سازماندهی افراد پراکنده محقق در چارچوب همکاری‌های جمعی و تشریک مساعی در پروژه‌ها، سیاست‌های توسعه در سطوح مختلف و افزایش هم‌زمانی و درک مشترک برای ایجاد ساختارهای مشارکتی دانش آمایش توسعه‌ای از دیگر کارکردهای شبکه‌ای کردن دانش آمایش (آموزش و پژوهش و فناوری) است تا نهاد چارچوب‌دار مشارکتی با شکل‌گیری اجماع علمی در روش‌ها، مدل‌ها، هنجارها و استانداردهای علمی برای پاسخ‌گویی به موقع به تغییرات ملی و منطقه‌ای جهانی آمایش برای ایجاد رفاه انسانی در یک محیط سالم و پایداری را فراهم سازد

به نظر شما در برنامه‌های آمایش سرزمین در ایران چه میزان به پایداری توسعه توجه شده است؟

در پاسخ به این سوال باید ابتدا خاطر نشان شود که ما چه برداشتی از پایداری توسعه داریم. همانطور که می‌دانید پایداری توسعه رویکردی جامع به بهبود بخشی کیفیت زندگی انسان‌ها در جهت تحقق رفاه اقتصادی، اجتماعی و محیطی است. در این معنا پایداری فرایندی است که با سازماندهی و تنظیم رابطه انسان و محیط و مدیریت بهره‌برداری از منابع و محیط زیست بر آن است تا زمینه‌های مناسب را برای دستیابی به تولید مستمر، زندگی توأم با عدالت و ثبات اجتماعی و مشارکت مردم را با احترام به ظرفیت‌های محیطی تسهیل کند. لذا رویکرد پایداری بر آن است تا از طریق توسعه اقتصادی، پیشرفت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری محیطی جامعه انسانی را به سوی یک دنیای خوب، زیست‌پذیر و قابل دوام رهنمون سازد. حال باید دید که با توجه به برداشت نظری از مفهوم پایداری توسعه تا چه اندازه در برنامه‌های آمایش سرزمین کشور به این اصول و مولفه‌های کلیدی آن توجه شده است. همانطور که می‌دانید اولین حرکت‌های برنامه‌ریزی با رویکرد آمایشی در سطح کشور به اوایل دهه ۴۰ باز می‌گردد که کوشش‌هایی برای توسعه کشور مطرح و نمودهای عینی آن در طی دو دهه تا حدودی در برنامه‌های توسعه کشور نمایان بود. برای نمونه نتایج مطالعات آمایش سرزمین تحت عنوان رهنمودهای آمایش سرزمین برای تهیه برنامه عمرانی ششم در سال ۱۳۵۶ نمود یافت که اصول پایداری در آن به‌خوبی تبیین گردیده بود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با طرح نظریه پایه توسعه ملی و دیدگاه بلندمدت آمایش سرزمین در سال ۱۳۷۹ توجه دوباره دولت به برنامه‌های آمایشی معطوف گردید که حاصل آن تدوین و تصویب ضوابط ملی آمایش سرزمین و نیز نظریه پایه توسعه استانی و راهبردهای بخشی آمایش سرزمین بود. با این حساب سند آمایش سرزمین، به عنوان سندی بالادست برای تدوین برنامه‌های عملیاتی بخش و منطقه‌ای کاربرد یافت. این الزام در تبصره ذیل ماده ۷۲ قانون برنامه چهارم و مواد متعدد آن تصریح گردید. براین مبنا آمایش سرزمین استفاده بهینه از هر ناحیه از زمین بدون هرگونه آسیب به منابع آن تعریف و هدف‌گذاری شد. بر این مبنا آمایش سرزمین می‌توانست استفاده از منابع را تضمین کند و آن را به طریقی هدایت نماید که بتواند نیازهای نسل‌های فعلی و بعدی را تأمین کند که کاملاً با پایداری توسعه همسو و هماهنگ بود. در طی برنامه پنجم توسعه کشور با توجه به خلاء اجرایی موجود در برنامه چهارم بار دیگر برنامه آمایش سرزمین مورد توجه قرار گرفت تا در این برنامه براساس مفاد ماده ۱۸۲ قانون برنامه پنجم جایگاه قانونی برای شورای آمایش سرزمین به عنوان متولی امر آمایش کشور به وجود آید تا از این طریق یک نظام یکپارچه برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه سرزمین به منظور رفع ناهماهنگی‌های موجود که از اهداف مهم پایداری توسعه بود تحقق یابد. بدین ترتیب مطالعه سیر روند تکاملی برنامه‌های آمایش سرزمین کشور نشان می‌دهد که به لحاظ مبانی نظری بسیاری از اصول و مولفه‌های تشکیل‌دهنده پایداری توسعه در کلیت برنامه‌ها ملحوظ گردیده است.

آیا این برنامه‌ها با روند کنونی منجر به توسعه پایدار می‌شوند؟

اجازه بدهید برای پاسخ به این سوال کلیدی بار دیگر به اهداف راهبردی توسعه پایدار اشاره کنم. توسعه پایدار باید تضمین‌کننده کیفیت زندگی انسان‌ها توأم با عدالت فضایی و با رعایت ملاحظات زیست‌محیطی باشد. بر این اساس آمایش سرزمین در راستای تحقق اهداف فوق باید ضمن تنظیم رابطه بین انسان، مکان و فعالیت که فضای جغرافیایی ما را شکل می‌بخشد؛ در تلاش است تا فضای موجود را به‌گونه‌ای مدیریت کند تا کلیه مناطق و بخش‌های کشور از مواهب توسعه و پایداری آن برخوردار باشند. حال سوال محوری این است که آیا این برنامه‌ها با روند کنونی می‌توانند به تحقق اهداف فوق منجر شوند یا خیر؟ در پاسخ باید اذعان کنم که ما در تحقق اهداف توسعه پایدار با نگاه خوشبینانه بسیار محدود موفق و با نگاه بدبینانه ناموفق عمل کرده‌ایم. برای نمونه تغییرات میکرو اقلیم، بیابان‌زایی‌های گسترده، محدودیت دسترسی به منابع آب و خشکسالی‌های متعدد، خسارت‌های ناشی از زلزله و سیل بر واحدهای مسکونی، تخریب پوشش گیاهی، عدم تعادل‌های منطقه‌ای و ظهور مناطق محروم نمونه‌ای از اثرات ناپایداری توسعه محسوب می‌شوند که می‌توان مهم‌ترین دلایل آن را به شرح زیر دانست:

در برنامه آمایش سرزمین، ما با سه فرایند از رابطه انسان، مکان و فعالیت روبه‌رو هستیم. به نظر می‌رسد نظام اجرایی کشور هیچ‌گاه به‌صورت عملی و اجرایی نتوانسته میان این سه فرایند رابطه منطقی برقرار کند.

همان‌طور که در اصول برنامه‌های آمایش سرزمین تبیین شده، لازمه سازماندهی سرزمین، وحدت‌نظر در مشی سازماندهی فضای توسعه اقتصادی - اجتماعی و محیطی و نیز پرهیز از اعمال دیدگاه‌های متفاوت، ناهماهنگ و بعضاً متناقض می‌باشد. به نظر می‌رسد وجود نظام‌های سیاستگذاری، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌های متعدد و گاه متناقض، ابهام در وظایف و نامشخص بودن تعاملات، زمینه‌های مناسب برای تحقق اهداف را با مشکلات جدی روبرو ساخته است.

سازمان‌یابی فضایی در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی به میزان قابل توجهی از جریان‌های فضایی فراملی متأثر می‌گردد. به‌طوری‌که بسیاری از سیاستگذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های ملی از نظام فضایی بین‌المللی به‌صورت ارادی و یا غیرارادی تأثیر می‌پذیرد که ممکن اهداف توسعه پایدار را با چالش‌های اساسی روبه‌رو سازد.

چه میزان بخش خصوصی می‌تواند در توسعه پایدار ایران یاری‌گر باشد؟

پاسخ به این سوال گاه سهل و گاه می‌تواند سخت و دشوار باشد. در ابتدا باید دید مراد از بخش خصوصی کیست و چیست؟ در بسیاری از مکاتب اقتصادی بخش خصوصی را منفعت‌طلب و تضمین‌کننده منافع و سرمایه خود معرفی می‌کنند. لذا بر این باورند که بخش خصوصی در وهله نخست منافع خود را تضمین می‌کند که این امر می‌تواند علاوه بر منافع اقتصادی سرمایه‌گذار، آسیب‌های اقتصادی، اجتماعی و محیطی را نیز به‌همراه آورد. در پاره‌ای از مکاتب اقتصادی بخش خصوصی به عنوان بخش

پیشرو معرفی می‌شود که به دلیل تنگناها و محدودیت‌های بخش عمومی و دولتی می‌تواند تسهیل‌کننده فرایند توسعه باشد. در این دیدگاه بخش خصوصی می‌تواند با جریان سرمایه خود در سطوح منطقه‌ای و محلی موجبات رونق اقتصادی و ثبات اجتماعی را فراهم آورد و از سطح محرومیت‌های فضایی بکاهد. بر این اساس باید دید که بخش خصوصی در سطح کشور با کدامیک از رویکردهای موجود منطبق است تا به‌توان به سوال فوق پاسخی مستدل ارائه کرد.

بررسی روند تحولات مفهومی آمایش سرزمین

(مطالعه تطبیقی ایران و جهان)

آرام ابراهیمی، دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی آمایش سرزمین، دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

از ابتدا تاکنون مفهوم آمایش سرزمین دچار تحولات گوناگونی شده است، این تحولات برگرفته از دیدگاه‌ها و نیازهای انسانی و سرزمینی است، که مسائل جدیدی همچون، سازگاری برنامه‌ها در سطوح ملی و منطقه‌ای با تاکید بر تنظیم میان جمعیت، محیط‌زیست، فعالیت‌ها و مزیت‌ها در یک رویکرد کل‌نگر و راهبردی و مبتنی بر زمان مطرح می‌کند. بنابر این توجه به برنامه‌ریزی مناطق با رویکرد آمایشی حلقه‌گمشده در نظام برنامه‌ریزی است. در این راستا، توسعه منطقه‌ای با منطق برنامه‌ریزی بخشی به منظور تامین حداکثر سود حداقل زیان منطقه، می‌باید اثرات فضایی و منطقه‌ای را نیز در نظر گیرد و همچنین با تحلیل ساختار فضایی موجود و برنامه‌ریزی بخشی، تحولات آتی را برنامه‌ریزی و هدایت کند، تاکید دارد.

مفهوم برنامه‌ریزی آمایش سرزمین در ایران برگرفته شده از الگوی کشورهای اروپایی و آمریکایی، به دنبال ایجاد تعادل در شبکه شهری، حفاظت از محیط‌زیست و برنامه‌ریزی فیزیکی و ... به تدوین سیاست‌های فضایی اهتمام ورزیده است اما به علت ناهمخوانی میان ساختارهای برنامه‌ریزی حاکم که مبتنی بر تمرکزگرایی با چاقوب برنامه‌های آمایشی که غیرمتمرکز فضایی ارائه شده ناهمخوانی داشته است. و این خود به ایجاد ناهماهنگی میان برنامه‌های ملی و آمایشی که نتیجه آن عدم تحقق برنامه‌های آمایش منجر می‌شود.

واژگان کلیدی: آمایش سرزمین، مفهوم، ایران و جهان، برنامه‌ریزی متمرکز، برنامه‌ریزی غیرمتمرکز

مقدمه

به هرصورت برنامه‌ریزی منطقه‌ای و نتیجه آن با شناخت نیازها و توان‌ها و تنگناهای ویژه هر منطقه خود موزاییکی بر نقش ملی می‌افزاید و رابطه دو طرفه برقرار سازد. برنامه‌ریزی منطقه‌ای منفعلانه به مزیت نسبی از دید اقتصاد ملی و شرکت در تقسیم کار جهانی نمی‌پردازد بلکه به مزیت‌های مورد نظر ساکنین منطقه و در خدمت اقتصاد منطقه اولویت می‌دهد مجموعه برنامه‌ریزی‌های

منطقه‌ای در سطح ملی زمینه برنامه‌ریزی جامع و همه سوبه‌نگر را برای آمایش کشور فراهم می‌کند (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۹۴: ۲۸۲). در واقع تقسیم کار ملی و منطقه‌ای و مکان‌یابی فعالیت‌ها و نیروهای مولد کشور مبتنی بر ساختار فضایی فرایند بازتولیدی آن که در برگزیده ویژگی‌های اکولوژیکی، میزان رشد نیروهای مولد و ماهیت نظام اقتصادی و اجتماعی آن است، ساختارهای منطقه‌ای توسعه ملی را شکل می‌دهند و برنامه‌ریزی ملی بدون توجه به آن‌ها نمی‌تواند موفقیت‌چندانی داشته باشد. بنابراین توجه به تفاوت‌های منطقه‌ای و غلبه کردن بر تفاوت‌های موجود در سطوح توسعه هریک از مناطق به منظور ایجاد ساختار منطقی تقسیم کار و ایجاد انواع تخصص که با بهترین وجه وظایف توسعه ملی را برآورد سازد، ارتباط برنامه‌ریزی آمایش ملی با برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای را بیش از پیش ضروری می‌نماید.

مفهوم آمایش سرزمین

آمایش از ریشه آموذن گرفته شده که در لغت‌نامه دهخدا به معنای آمیختن، در نشانیدن، مستعدکردن، آراسته کردن و در کنار هم چیدن (دهخدا، ۱۳۷۷) و در فرهنگ معین به معنای آراستن، مهیا کردن و آماده کردن آمده است (معین، ۱۳۸۸). آمایش اسم مصدر آموذن و آمویدن است. اولین تعریفی که از آمایش سرزمین ارائه شد توسط کلودیوس-وزیر اسبق بازسازی و مسکن فرانسه- در سال ۱۹۵۰ بود که تاکنون از گویاترین و معتبرترین تعاریف کلاسیک این مفهوم علمی به شمار می‌رود: «آمایش سرزمین در کادر جغرافیایی فرانسه در جستجوی بهترین توزیع انسان‌ها به تبع منابع طبیعی و فعالیت‌های اقتصادی در پهنه سرزمین است. این جستجو با یک دغدغه ثابت مبتنی بر فراهم کردن بهترین شرایط سکونت، کار، بهداشت، تفریحات سالم و لذت از زندگی فرهنگی سالم محقق می‌شود. هدف اصلی صرفاً یک اقتصاد شکوفا نیست بلکه بیشتر به دنبال زندگی خوب و شکوفایی مردم است» (محمودی، ۱۳۸۸: ۱۴۵).

ژان پل لاکاز، آمایش سرزمین را رسیدن به مطلوب‌ترین توزیع ممکن جمعیت به وسیله بهترین شکل توزیع فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی در پهنه سرزمین تعریف می‌کند (عندلیب، ۱۳۸۰: ۳۴). طبق تعریف شبکه نظارت برنامه‌ریزی فضایی اروپا آمایش سرزمین عبارت است از: «رویکرد منسجم و فعال از توسعه سرزمین در جهت شکل دادن به آینده شهرها، نواحی و مناطق جغرافیایی بزرگ‌تر به گونه‌ای که از سیاست‌های توسعه منطقه‌ای فراتر رود و به رویکرد برنامه‌ریزی منطقه‌ای نزدیک‌تر شود» (سلطانی، ۱۳۹۲: ۶۵).

بنابه تعریف سازمان خوار و بار کشاورزی ملل متحد (FAO) آمایش سرزمین ارزیابی نظام‌مند عوامل طبیعی، اجتماعی و اقتصادی به منظور یافتن راهی برای تشویق و کمک به جامعه بهره‌برداران در انتخاب گزینه‌های مناسب برای افزایش و پایداری توان سرزمین در جهت برآورد نیازهای جامعه است. بر پایه این تعریف هدف از آمایش سرزمین انتخاب و انجام شیوه‌ای از بهره‌برداری از سرزمین است که در عین حال که بتواند نیازهای مردم را برآورده سازد حفاظت از منابع موجود را برای آینده در

نظر گیرد (6 : 1993 , FAO) . مطابق نظر فائو برنامه ریزی آمایش سرزمین فرآیندی است که شامل مراحل ۱۰ گانه زیر می باشد (شکل شماره ۱) :

۱. تعیین اهداف و شرح خدمات
۲. سازماندهی اقدامات
۳. تجزیه و تحلیل مشکلات
۴. شناسایی فرصت های تغییر
۵. ارزیابی توان سرزمین
۶. ارزیابی گزینه ها
۷. انتخاب بهترین گزینه
۸. تهیه برنامه آمایش سرزمین
۹. اجرای برنامه
۱۰. بازنگری و تجدید نظر در برنامه (FAO , 1993 : 21-74) .

جدول ۱ : مراحل تکاملی تعریف آمایش سرزمین در ایران

| دوره | شرح | عملکرد |
|--------|---|---|
| دهه ۵۰ | بهره وری از قابلیت های سرزمین | سازماندهی فضا از حیث کاربری های مختلف |
| دهه ۶۰ | تنظیم رابطه بین انسان، فضا و فعالیت | مدیریت سازمان فضایی توسعه و توزیع جغرافیایی فعالیت ها و جمعیت در سرزمین |
| دهه ۷۰ | بهره برداری بهینه از ظرفیت های اجتماعی و طبیعی | دیدگاه درازمدت و برنامه ریزی توسعه فضایی با سازگاری لازم بین ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیطی توسعه |
| دهه ۸۰ | تنظیم کنش متقابل بین عوامل انسانی و محیطی به منظور ایجاد سازمان سرزمینی مناسب | افزایش کارایی و عدالت سرزمینی، حفظ موارث طبیعی و مصنوع و مدیریت یکپارچه سرزمینی |

(منبع: نگارنده)

سازمان مدیریت و برنامه ریزی ایران آمایش سرزمین را به صورت زیر تعریف کرده است : « تنظیم کنش متقابل بین عوامل انسانی و عوامل محیطی به منظور ایجاد سازمان سرزمینی مبتنی بر بهره گیری بهینه از استعداد های انسانی و محیطی آمایش سرزمین نامیده می شود. آمایش سرزمین در چارچوب اصول مصوب، از طریق افزایش کارایی و بازدهی اقتصادی، گسترش عدالت اجتماعی، رفع فقر و محرومیت و برقراری تعادل و توازن در برخورداری از سطح معقول توسعه و رفاه در نقاط و مناطق جغرافیایی، ایجاد نظام کاربری اراضی متناسب با اهداف توسعه متعادل و حفظ محیط زیست، ایجاد و تحکیم پیوندهای اقتصادی درون و برون منطقه ای و هماهنگ سازی تأثیرات فضایی- مکانی سیاست های بخشی و سیاست های توسعه مناطق و محورهای خاص به گونه ای عمل می کند که بتواند اهداف چشم انداز بلندمدت توسعه کشور و مدیریت یکپارچه سرزمینی را محقق سازد» (سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۸۵ : ۲۹).

در بیش از چهار دهه مطالعات آمایش سرزمین در ایران این رویکرد از برنامه ریزی چه به لحاظ معرفت شناسی و چه به لحاظ روش شناسی تحولات مختلفی را از سر گذرانده و متناسب با مقتضیات درونی و بیرونی تکامل یافته است (جدوال شماره ۱ و ۲).

جدول ۲: دوره بندی فعالیت های آمایش سرزمین در ایران

| دوره | بازه زمانی | فعالیت های آمایش سرزمین در ایران | موانع |
|------------|----------------------------------|--|---|
| دوره اول | اوایل دهه ۱۳۴۰ تا اوایل دهه ۱۳۵۰ | شکل گیری مفهوم آمایش سرزمین | نگرش حاکمیت وقت |
| دوره دوم | ۱۳۵۶-۱۳۵۴ | مطالعات طرح جامع ستیران | وقوع انقلاب |
| دوره سوم | ۱۳۶۸-۱۳۶۲ | مطالعات طرح آمایش سرزمین اسلامی ایران (تجربه اول بعد انقلاب) | جنگ ۸ ساله |
| دوره چهارم | ۱۳۷۶-۱۳۶۸ | دوره فترت | مشکلات سازندگی پس از جنگ |
| دوره پنجم | ۱۳۸۵-۱۳۷۶ | مطالعات نظریه پایه توسعه ملی (تجربه دوم بعد انقلاب) | شتابزدگی و فراهم نبودن شرایط |
| دوره ششم | ۱۳۹۰-۱۳۸۵ | دوره فترت دوباره | نگرش دولت فعلی |
| دوره هفتم | ۱۳۹۴-۱۳۹۰ | تجربه سوم بعد از انقلاب | نبودن یا ضعف جایگاه آمایش سرزمین در نظام برنامه ریزی کشور |

(منبع: نگارنده با اقتباس از شریف زادگان و دهکردی، ۱۳۸۹: ۹۰)

ابعاد اصلی آمایش سرزمین در ایران:

موضوع محوری در مبحث آمایش سرزمین، نابرابری‌های سرزمینی است. از نظر مفهومی آمایش دارای دو جزء غیرقابل تفکیک است:

۱. برنامه‌ریزی اقتصادی - اجتماعی
۲. برنامه‌ریزی سرزمینی - کارکردی

اصول آمایش سرزمین ایران:

آمایش سرزمین به عنوان یک جهت‌گیری درازمدت دارای اصول و معیارهایی است. این اصول عبارتند از:

۱. اصل ملاحظات امنیتی و دفاعی
۲. اصل کارایی و بازدهی اقتصادی
۳. اصل وحدت و یکپارچگی سرزمین
۴. اصل گسترش عدالت اجتماعی و تعادل‌های منطقه‌ای
۵. اصل حفاظت محیط زیست و و احیای منابع طبیعی
۶. اصل تسهیل و تنظیم روابط درونی و بیرونی اقتصاد کشور
۷. حفظ هویت اسلامی، ایرانی و حراست از میراث فرهنگی،
۸. رفع محرومیت‌ها، به خصوص در مناطق روستایی کشور (دفتر آمایش، محیط‌زیست و توسعه پایدار: ۱۳۸۳)
۹. رسالت آمایش سرزمین ایران:
۱۰. انجام برنامه آمایش سرزمین در کشور بایستی به نتایج زیر منتهی گردد:
۱۱. عدالت اجتماعی از دیدگاه دسترسی عادلانه و توزیع فضایی دستاوردهای توسعه
۱۲. کارایی بیشتر منتج از برقراری و تقویت پیوندها و ایجاد یکپارچگی فضایی
۱۳. پایداری به عنوان برآیند عدالت اجتماعی، کارایی اقتصادی و تعادل بوم‌شناختی با در نظر داشتن عدالت بین نسلی
۱۴. ارتقای کیفیت زندگی در فضاهای کلان تا خرد منطقه از طریق مجموعه‌ای از فرصت‌های درآمدی، برخورداری از شرایط امن، دسترسی به خدمات، تأمین نیازهای اساسی، نگاهداشت طبیعت و میراث فرهنگی، و حفظ و اعتلای هویت منطقه‌ای (زالی: ۱۳۸۵)

تحلیل تطبیقی آمایش سرزمین در برخی کشورها

ابتدا آمایش سرزمین را کشورهای توسعه یافته تجربه کرده‌اند. در آلمان ۱۹۱۰ میلادی را سر آغاز آمایش سرزمین به مفهوم جدید آن دانسته‌اند. مشخصه این دوره، دو رخداد مهم بود؛ الف) برپایی اتحادیه برلین بزرگ، ایجاد کمیسیون عرصه‌های سبز در حوزه اداری دوسلدورف (سعیدی، ۱۳۸۷: ۱۳۱). در واقع، سازمان عمران دره تنسی را نیز جزء نخستین کوشش برنامه‌ریزی منطقه‌ای و آمایش سرزمین قلمداد می‌کنند که به دنبال نامه کینز رئیس‌جمهور آمریکا در دهه ۱۹۳۰ برای مهار کردن بحران ۱۹۲۹ توسط دولت آمریکا تأسیس شد. کشورهای توسعه یافته دیگر نیز این نوع برنامه‌ریزی منطقه‌ای را داشته‌اند. به‌عنوان مثال، انگلستان

به نفع (مناطق سیاه) یعنی حوزه‌های معدنی دچار بحران و ایتالیا به نفع قسمت جنوب شبه جزیره ایتالیا به سیاست منطقه‌ای دست زدند. یکی اندیشه نخست است که در کتابی به عنوان «پاریس و کویر فرانسه» مطرح شده است که بلافاصله پس از جنگ منتشر شد و دیگری اندیشه دوم ناشی از این واقعیت است که به دلیل مکان‌یابی و توزیع فعالیت‌ها تحت تأثیر اوضاع طبیعی برخی از مناطق بیشتر از سایر مناطق توسعه یافته‌اند. از این‌رو، سیاست تلفیق دوگانه‌ای برای رفع ازدحام پاریس مطرح بوده است.

تجربه فرانسه در آمایش سرزمین

کشور فرانسه کشوری پیشرو در برنامه‌ریزی‌هایی فضایی و جزء کشورهای بسیط در نظام برنامه‌ریزی است. این کشور به سیاست دولتی که اجرا و کنترل برنامه به عهده دولت مرکزی است، نیم‌نگاهی نیز دارد. سابقه تاریخی پیدایش طرح آمایش سرزمین در فرانسه به برنامه ۱۹۵۳-۱۹۴۷ بر می‌گردد که برنامه نوسازی و تجهیز نام داشت و برای ترمیم خرابی‌های جنگ جهانی دوم تدارک دیده شده بود و در واقع برنامه سرمایه‌گذاری‌های دولت در شماری از بخش‌های «پایه» بود. بخش‌های پایه ابتدا شش بخش زغال سنگ، برق، فولاد، سیمان، ترابری و ماشین‌آلات کشاورزی تشکیل می‌شد (توفیق، ۱۳۸۴: ۳۱-۲۲). در سال ۱۳۴۷ در فرانسه کتابی به عنوان پاریس و بیابان فرانسه به قلم شخصی به نام گراویه^۱ انتشار یافت که در پیدایش دیدگاه آمایش سرزمین بسیار موثر افتاد. از آن زمان به بعد تا سال ۱۹۷۵ این شیوه برنامه‌ریزی در فرانسه دوران موفقی و به اصطلاح «شکوه‌مندی» را پشت سر گذاشته است. در دهه ۱۹۸۰ در فرانسه شاهد افول آمایش سرزمین هستیم. از سر گرفتن رونق آمایش سرزمین در این کشور از اوایل دهه ۱۹۹۰ به بعد است (همان: ۲۳).

تجربه بریتانیا در آمایش سرزمین

نظام برنامه‌ریزی در بریتانیا که در قرن بیستم تکوین یافته است، از نوع بسیط بوده است، ولی نظام اداره و نظارت بر آن متمرکز و مسئولیت آن با وزارت خانه‌های مسئول محیط‌زیست اسکاتلند، ولز و ایرلند شمالی است. در انگلستان نخستین قانون مسکن و شهرسازی در سال ۱۹۰۹ به تصویب رسید. در قانون مسکن و شهرسازی سال ۱۹۱۹ و برنامه‌ریزی شهری و روستایی سال ۱۹۳۲ تأکید بر کنترل ساخت و ساز از طریق منطقه‌بندی (زونینگ) بود. اصول برنامه‌ریزی جامع^۲ بعد از جنگ جهانی دوم در قانون برنامه‌ریزی شهری و روستایی سال ۱۹۴۷ پایه‌گذاری شد. در این قانون پس از توصیف نظام برنامه‌ریزی ملی شامل برنامه‌های توسعه، کنترل ساخت و ساز و نظارت دولت مرکزی، هدایت آن به عهده وزارت برنامه‌ریزی شهری و روستایی گذاشته شد (ابراهیم‌زاده و موسوی، ۱۳۹۴: ۱۲۴). با وجود این از دو دهه گذشته دولت قصد خود را مبنی بر تمرکززدایی و ایجاد مجالس انتخابی در مناطق (استان‌های) انگلستان اعلام کرده است. در آن

1 Gravier

2 Comprehensive Planning

زمان مجلس ولز و پارلمان اسکاتلند برای سال‌های ۲۰۰۰ پیش‌بینی شده بود. در ایرلند شمالی نیز اصلاح قانون اساسی از جمله موضوعات مذاکرات صلح سال‌های ۱۹۹۸-۱۹۹۳ بود (همان: ۱۲۳). در دهه ۱۹۹۰ وضع برنامه‌ریزی کالبدی / فضایی بریتانیا تحولی نو یافت، اینک در این کشور در سطح ملی، شهرستان / بخش‌ها مسئول برنامه‌ریزی است (IsoCarp, 1992: 242).

تجربه لهستان در آمایش سرزمین

لهستان نمونه‌ای از کشورهای در حال گذار از برنامه‌ریزی متمرکز سوسیالیستی به برنامه‌ریزی غیرمتمرکز است. حتی پیش از فروپاشی نظام کمونیستی، نظام برنامه‌ریزی فضایی این کشور در حال تغییر بوده و هنوز هم ثبات و پایداری لازم را نیافته است. در این کشور برنامه‌ریزی منطقه‌ای در دهه ۱۹۶۰ آغاز و در مناطق (Voivodship) دفاتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای دایر شد. قانون توسعه فضایی که در ۱۹۹۴/۷/۷ به تصویب رسید و چندین بار اصلاح گردید، مبنای قانونی عمده‌ای در حوزه آمایش سرزمین قلمداد می‌گردد. (ابراهیم زاده و موسوی، ۱۳۹۴: ۱۵۰).

تجربه ژاپن در آمایش سرزمین

در ژاپن برنامه‌ریزی فضای سرزمینی نسبتاً متمرکز است؛ با این تفاوت که طرح توسعه فیزیکی این کشور معمولاً بیست ساله است که به‌طور رسمی «برنامه جامع توسعه ملی» نامیده می‌شود و با برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی که معمولاً میان مدت پنج ساله و حداکثر ده ساله استف فرقی دارد (Haruta, 1986:83). قانون توسعه جامع زمین ملی ژاپن در سال ۱۹۵۰ به تصویب رسید. اما نخستین برنامه جامع توسعه نزدیک به یک دهه بعد در سال ۱۹۶۲ تهیه شد (توفیق، ۱۳۸۴: ۳۶۶).

تجربه ایالات متحده آمریکا در آمایش سرزمین

کشور ایالات متحده آمریکا به لحاظ برنامه‌ریزی‌های آمایش سرزمین جزء کشورهایی تلقی می‌گردد که برنامه‌ریزی همزمان از بالا و پایین دارند. به طوری که در عمل خبری از برنامه‌ریزی فضایی در سطح ملی به معنی خاص نیست. زیرا به دلیل وسعت این کشور و نیز ساختار حکومتی فدراتیو آن، فعالیت‌های از این دست غالباً به صورت غیرمتمرکز و از طریق ایالت‌ها یا مناطق درون ایالات‌های گوناگون انجام می‌گیرد. ضمن این‌که سازمان‌های تخصصی گوناگون مانند سازمان زمین‌شناسی ایالات متحده (USGS) بسیاری از مطالعات مورد نیاز طرح‌های فضایی را برای سراسر کشور انجام می‌دهد (توفیق، ۱۳۸۴: ۳۷۹).

رهیافت‌های اروپا در آمایش سرزمین

رهیافت‌های اروپایی درباره برنامه‌ریزی آمایش سرزمین در دو سند مهم خلاصه شده است. سند اول موسوم به چشم‌انداز توسعه فضایی اروپا است که توسط کمیسیون اروپایی برای کشورهای عضو اتحادیه اروپا تهیه شده است. این سند تا حدودی متأثر از برنامه‌های هلندی است و بخش مهمی از آن به موضوع‌های بزرگ

اکولوژیکی و برنامه‌های بازسازی محیط‌زیست و شبکه شهری چند مرکزی اختصاص دارد (Faludi, 2000). سند توسعه فضایی اروپا در پیچه‌ای به چشم‌انداز توسعه همکاری‌های بلندمدت در مناطق مختلف این قاره به حساب می‌آید. سند فوق با ممانعت از انجام اقدامات غیرهمگرا نقش ویژه‌ای در تنظیم سیاست‌های توسعه ملی هریک از کشورهای عضو در چارچوب اهداف بلندمدت چشم‌انداز توسعه فضایی اروپا ایفا می‌کند (European Commis-sion, 1999). سند دوم (CEMAT) در شورای اروپا در کمیته‌ای متشکل از وزرای مسئول آمایش سرزمین کشورهای اروپایی در سال ۲۰۰۰ با رهنمودهایی برای برنامه‌ریزی فضایی در سراسر اروپا به تصویب رسید (Faludi, 2006). از تحولات بسیار مهم در بینش آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی منطقه‌ای در سراسر اتحادیه و شاید اروپا، برای یکسان‌سازی «مناطق اروپایی» پیدایش تفکر ایجاد وضع زندگی در مناطق مرزی است. برای تحقق طرح‌ها، نواحی عضو برای خود برنامه‌های عملیاتی آماده می‌کنند (Louis, 2004). اتحادیه اروپا با برقراری برنامه موسوم به میان منطقه (Inter-reg) می‌کوشد تا روش‌های نوین برنامه‌ریزی فضایی و همکاری فضایی را به مناطق اروپایی گسترده‌تری تسری دهد. در این مناطق سعی بر این است که همکاری فراملی در توسعه فضایی با ایجاد ساختارهای سازمانی اداری و مالی به محک زده شود. همکاری براساس برنامه‌های مشترک و در راستای تحقق اهداف سیاسی و جهت‌گیری‌های «چشم‌انداز توسعه فضایی اروپا» است (Hooper, 2002). کمیسیون توسعه فضایی اروپا، ایده ایجاد «شبکه ملاحظات برنامه‌ریزی فضایی اروپا» (Espon) را مطرح نمود. مشکل حمایت مالی و تکنیکی برای ایجاد این شبکه اصلی‌ترین علت عدم پشتیبانی آن است. بنابراین تخصیص منابع مالی نه براساس پروژه‌ها، بلکه براساس اولویت‌ها و مقایسه‌ها انجام می‌گیرد. در حقیقت به دلیل فقدان یک ساختار حمایتی مالی ES-PON بعد از پایان ESDP¹ شکل گرفت (Van Geste & Faludi, 2005).

نتیجه‌گیری

مفهوم آمایش سرزمین در ایران با مد نظر داشتن سیاست‌های کلی در زمینه‌های توسعه منابع انسانی، یکپارچگی ملی و سرزمینی، ارتقاء کارایی و بازدهی اقتصادی، دستیابی به تعادل‌های منطقه‌ای با قابلیت توان‌های هر منطقه، سامان‌بخشی فضای مناسب مراکز زیستی و فعالیت به ویژه در مناطق مرزی با تأکید بر مشارکت موثر مردم، رعایت ملاحظات امنیتی و دفاعی، استفاده از موقعیت ممتاز جغرافیایی و حفظ، احیا و بهره‌وری از سرمایه‌ها، منابع طبیعی تجدیدشونده و حفظ محیط‌زیست باید محورهای کلیدی هماهنگی برنامه‌های فضایی و بخشی را سازماندهی می‌کند، تدوین شده است.

با مطالعه تطبیقی می‌توان در یافت که کشورهای پیشرو در آمایش سرزمین همچون فرانسه، شبه‌جزیره بریتانیا و کشورهای اروپایی و آمریکا با اتخاذ سیاست برنامه‌ریزی غیرمتمرکز بسیط به دنبال پوشش حداکثر سرزمینی و تحقق حداکثری برنامه‌های

فضایی خود می‌باشند. به دنبال آن کشورهای چون ژاپن و لهستان که تحت نظام سوسیالیستی به برنامه‌ریزی متمرکز توجه می‌شد، امروزه در حال گذار از برنامه‌ریزی متمرکز به غیرمتمرکز می‌باشند. مفهوم برنامه‌ریزی آمایش سرزمین در ایران برگرفته شده از الگوی کشورهای اروپایی و آمریکایی، به دنبال ایجاد تعادل در شبکه شهری، حفاظت از محیط‌زیست و برنامه‌ریزی فیزیکی و ... به تدوین سیاست‌های فضایی اهتمام ورزیده است اما به علت ناهمخوانی میان ساختارهای برنامه‌ریزی حاکم که مبتنی بر تمرکزگرایی با چابوب برنامه‌های آمایشی که غیرمتمرکز فضایی ارائه شده ناهمخوانی داشته است. این خود به ایجاد ناهماهنگی میان برنامه‌های ملی و آمایشی که نتیجه آن عدم تحقق برنامه‌های آمایش منجر می‌شود.

منابع:

- ابراهیم‌زاده، عیسی و موسوی، میرنجف (۱۳۹۴)، اصول و مبانی آمایش سرزمین، انتشارات سمت، تهران.
- توفیق، فیروز (۱۳۸۴)، آمایش سرزمین: تجربه جهانی و انطباق آن با وضع ایران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۶)، شرح خدمات برنامه آمایش استان‌ها، معاونت امور اقتصادی و هماهنگی برنامه و بودجه، مرکز ملی آمایش سرزمین، شهرپور، تهران.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه، جلد اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم از دوره جدید.
- محمودی، سید محمد (۱۳۸۸)، تحلیلی بر سیر تحولات کلان آمایش سرزمین فرانسه در نیم قرن گذشته و ارائه پیشنهادهای جهت بهبود وضعیت آمایش سرزمین ایران، نشریه آمایش سرزمین، سال اول، شماره اول، تهران.
- عندلیب، علیرضا (۱۳۸۰)، نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران، دوره عالی جنگ، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران، تهران.
- سلطانی، ناصر (۱۳۹۲)، ارزیابی موانع فراروی طرح‌های آمایش سرزمین در ایران با رویکرد تلفیقی، نشریه برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره هفدهم، شماره ۳، تهران.
- حسین خان قندهاری، علیرضا (۱۳۸۸)، هفته‌نامه برابر، دفتر امور اجرایی و روابط عمومی معاونت برنامه‌ریزی وزارت کشور، شماره ۳۴۵: ۹-۸.
- شریف‌زادگان، محمد حسین و رضوی دهکردی، سید امیر (۱۳۸۹)، ارزیابی فرآیند برنامه‌ریزی "آمایش سرزمین" در ایران و راهکارهای بهبود آن، علوم محیطی، سال هفتم، شماره چهارم: ۱۰۰-۸۷.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۳)، مطالعات آمایش سرزمین: جهت‌گیری‌های آمایش سرزمین ملی، دفتر آمایش و توسعه پایدار، تیر.
- سعیدی، عباس و تقی‌زاده، فاطمه (۱۳۸۴)، پیوندهای روستایی- شهری و توسعه منطقه‌ای: بررسی تطبیقی شهرستان‌های باغملک و اردکان، جغرافیا (انجمن جغرافیایی ایران)، سال سوم، شماره ۶ و ۷.
- Isocarp (1992), International Manual of Planning Practice, Second Edition 1992, The Hague: International Society of City and Regional Planners (Isocarp).
- Haruta, M (1986), State Spaces, Oxford: Oxford University Press.
- Hettne, B, UNU, WIDER, 1994, The New Regionalism, Implication for Development and Peace.
- European Commission (1999). Towards a Balanced and Sustainable Development of the Territory of the European Union. The Committee on Spatial Development. Potsdam: European Commission
- Van Gestet, T. and A. Faludi. (2005). Towards a European Cohesion Assessment Network. Town Planning Review (TPR), 76 (1):81-92.
- Faludi, A. (2006). The Performance of Spatial Planning. Planning Practice and Reserch, 15(4): 299-318.
- Louis, A. (2004). Strategic (Spatial) Planning Reexamined. Environmental and Planning B: Planning and Design, 31: 743-758.
- Hooper, A. (2002). The Preparation of the Wales Spatial Plan. Town and country planning association, 71:133-137.

ایجاد تاب‌آوری روستایی، ضرورتی در توسعه پایدار

نگاهی بروضعیت نواحی روستایی استان آذربایجان شرقی

احسان پاشانژاد سیلاب، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد

برنامه‌ریزی آمایش سرزمین، دانشگاه تربیت مدرس

Ehsanpasha90@gmail.com

چکیده

تاب‌آوری جوامع انسانی در مقابل مخاطرات محیطی تحت چارچوب سیستم‌های بهم‌پیوسته طبیعی-انسانی در قالب پارادایم پایداری مورد توجه قرار می‌گیرد. در این میان، جوامع روستایی از جمله نواحی و قشر آسیب‌پذیر در برابر مخاطرات محیطی و سایر تهدیدات است. هدف از تدوین این پژوهش، بیان ضرورت‌های ایجاد تاب‌آوری به منظور توسعه روستایی است. روش آن توصیفی-تحلیلی و ماهیت آن کاربردی در نظام برنامه‌ریزی محلی است. به منظور نیل به هدف اصلی پژوهش، از روش‌ها و تکنیک‌های تحلیل فضایی با کاربست نرم‌افزار سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) به منظور برآورد پهنه‌های آسیب‌پذیر و تاب‌آور اقدام گردید. بدین ترتیب، معیارهای پژوهش در دو بخش معیارهای آسیب‌پذیری و تاب‌آوری انتخاب شد. نتایج حاصل از این مقاله، کمربندی از پهنه‌های آسیب‌پذیر را از جنوب شرقی استان به سمت شمال غربی استان آذربایجان شرقی جایی که در ابتدا و انتهای محور مناطق محروم قرار دارند، نشان داد. در ادامه فرایند سنجش در بخش تاب‌آوری نشان دهنده بالاترین ظرفیت در منطقه کرانه شرقی دریاچه ارومیه، جایی که طی سال‌های اخیر با بحران دریاچه ارومیه روبرو بوده است. بنابراین، نیاز به تعادل محیطی و مشکلات توسعه در نظام برنامه‌ریزی محلی در ترویج و ارتقای مکان‌های امن و قابل زیست، کلید موفقیت در پرورش ظرفیت تاب‌آوری است.

واژگان کلیدی: تاب‌آوری، آسیب‌پذیری، توسعه پایدار، استان آذربایجان شرقی.

مقدمه

امروزه مفهوم تاب‌آوری در علوم محیطی و پایداری زیست‌محیطی در حوزه پژوهش‌های جامعه علمی و کاربرد آن در الگوی نظری طرح‌های توسعه در ابعاد مختلف در زمینه‌هایی همانند مقابله با چالش‌های تغییرات آب و هوایی، بحران‌های مالی و تهدیدات امنیتی در کشورهای توسعه نیافته طنین‌انداز شده است (Rigg & Oven, 2015). در حوزه پژوهش‌های علمی، مفهوم تاب‌آوری از دهه ۱۹۶۰ به عنوان یک توده حیاتی ظهور

کرد. به طوری که در ادامه به عنوان پارادایم اصلی در رشته‌هایی هم چون اکولوژی و احتمالاً جایگزینی برای پایداری به عنوان هدف غایی از توسعه گردید (Béné, Newsham, Davies, Ulrichs, & Godfrey-Wood, 2014; Wilson, 2012). در واقع، با مورد توجه قرار گرفتن رویکردهای نظری همانند ارتباط سیستم‌های طبیعی-انسانی و یا اکولوژیکی-اجتماعی تحت لوای پارادایم پایداری، مفاهیمی چون آسیب‌پذیری، تاب‌آوری، در معرض خطر بودن، ظرفیت سازگاری در کانون رویکرد توسعه پایدار قرار گرفتند.

مفاهیم آسیب‌پذیری و تاب‌آوری، چارچوب‌ها و مدل‌های مفهومی ارزشمندی را برای شناخت چگونگی مقابله جوامع و سیستم‌های انسانی در برابر تغییرات زیست‌محیطی و اجتماعی فراهم آوردند (Adger, 2006) با وقوع تغییرات زیست‌محیطی و عدم توجه به اثرات نامطلوب آن بر جوامع انسانی، نواحی روستایی از جمله مناطقی است که بیشتر تحت تاثیر قرار گرفته و در معرض آسیب‌پذیری قرار می‌گیرند. پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه آسیب‌پذیری و تاب‌آوری به طور عام طیف وسیعی از رویکردها و حوزه‌های مختلف علمی را در برمی‌گیرد اما در حوزه سنجش تاب‌آوری و آسیب‌پذیری جوامع روستایی به طور مثال می‌توان به تحقیق صورت گرفته توسط (McManus et al., 2012) در کشور استرالیا به نقش بخش کشاورزی در اقتصاد محلی پرداختند. در پژوهش صورت گرفته توسط (Borda-Rodriguez & Vicari, 2014) نقش تعاون روستایی در تاب‌آوری جامعه روستایی در کشور مالاوی مورد توجه قرار گرفت یا پژوهش (Rigg & Oven, 2015) به ایجاد تاب‌آوری لیبرال در رابطه با رشد اقتصادی نواحی روستایی و ارتباط آن بازار در نواحی روستایی آسیا پرداختند. در میان پژوهش‌های صورت گرفته در داخل کشور افتخاری و دیگران (۱۳۹۳) به تحلیل نقش تنوع معیشتی در تاب‌آوری خانوارهای روستایی در برابر خشکسالی در استان اصفهان پرداختند. علاوه بر این، صادقلو و سجاسی قیداری (۱۳۹۳) رابطه زیست‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی و تاب‌آوری آن رار در برابر مخاطرات طبیعی نواحی روستایی مورد بررسی قرار دادند و در تحقیقی دیگر رمضان‌زاده لسبویی و دیگران (۱۳۹۱) تاب‌آوری مناطق نمونه گردشگری در حوضه سیل خیز با استفاده از رویکرد روش‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه را مورد مطالعه قرار دادند.

در این میان جامعه روستایی کشور با دارا بودن ارزش‌ها و قابلیت‌های فراوان به عنوان مهم‌ترین سرمایه ملی در زمینه‌هایی همانند تولیدات کشاورزی تحت تاثیر بی‌مهری و سوءمدیریت در نظام برنامه‌ریزی چندین ساله کشور قرار گرفته‌اند. از این رو، در پژوهش پیش‌رو با اهتمام بر محوریت مسئله تاب‌آوری جوامع روستایی استان آذربایجان شرقی به عنوان محدوده مطالعاتی انتخاب گردید. لذا، پرسش بنیادین تحقیق حاضر بر این اصل استوار است که ارتقاء تاب‌آوری جوامع روستایی در بهبود توسعه ملی چه نقشی را می‌تواند داشته باشد. بنابراین هدف اصلی پژوهش نگاه کلی بر وضعیت و قابلیت تاب‌آوری جامعه روستایی در منطقه مورد مطالعه در برابر تغییرات محیطی و اجتماعی است.



شکل ۱: آسیب پذیری و تاب آوری دو سوی مخالف در یک طیف
منبع: (Wilson, 2012)

مطابق با شکل ۱ مشاهده می شود هر چقدر ظرفیت تاب آوری در جامعه یا سیستمی بالاتر باشد به همان اندازه، از شرایط آسیب پذیری در امان مانده و قابلیت سازگاری در شرایط بحرانی و هنگام وقوع مخاطره را خواهد داشت. به زعم بسیاری از صاحب نظران، یکی از مهم ترین ویژگی های مؤثر در تفکر تاب آوری توانایی آن در حل مشکلات به وجود آمده با رویکردی نظام مند و تفکری جامع؛ ویژگی که به طور ویژه در ارتباط با توسعه برای دلایل متنوعی است. از جمله دلایل آن می توان به در ارتباط با بودن وقوع تنوعی از خطرات و تحت تاثیر قرار گرفتن بخشی از جامعه یا مواردی کل جوامع است (Béné et al., 2014).

همان طور که مورد بحث قرار گرفت، واژه تاب آوری مفهوم پیچیده ای است که از رویکردی اکولوژیکی آن پدیدار گشته و بر سایر حیطه های تخصصی اقتصادی، اجتماعی و.. که در این میان شامل محیط نواحی روستایی نیز می گردد، نفوذ کرده است (McManus et al., 2012). بنابراین تاب آوری روستایی در بردارنده شرایطی است که در آن ظرفیت یک منطقه روستایی در سازگاری به تغییر شرایط خارجی نظیر راهی برای استاندارد رضایت از زندگی را حفظ کند. همچنین شامل آن شامل ظرفیتی برای بازیابی از سوء مدیریت و اشتباهات حکومتی است (Heijman, Hage- & laar, 2007).

شناخت، فهم و بررسی سیستم های تاب آور و انعطاف پذیر در برابر تغییرات محیطی و یا هنگام وقوع یک شوک به سیستم موجب آن شد که ۲۶ سازمان غیر دولتی درگیر در تغییرات آب و هوایی و کاهش خطر بلایا مجموعه ای از ۱۰ ویژگی را منبعث از مکاتب فکری مختلف در زمینه تاب آوری بود، ارائه دهند. جدول شماره ۲ به طور خلاصه ۱۰ مشخصه اصلی سیستم های تاب آور را همراه با مکاتب فکری منبعث از آن نشان می دهد.

مبانی نظری تبیین کننده تاب آوری

هیات بین الدول تغییرات آبی و هوایی (IPCC)، تاب آوری را همانند توانایی یک سیستم و اجزاء آن برای پیش بینی، جذب، تطبیق و یا بازیابی از اثرات یک روخداد خطرناک در یک زمان تعیین شده و کارآمد تعریف می کند (PANEL, 2012). مفاهیم اولیه تاب آوری را می توان در حوزه رویکرد اکولوژی آن به دست آورد به طوری که اکولوژیست معروف C.S.Holling آن را معیاری از تداوم سیستم ها و توانایی آن در جذب تغییر و اختلالات در زمانی است روابط بین جمعیت و یا متغیرهای حالت را ممکن سازد (Wang, Huang, & Budd, 2012). ماهیت بین رشته ای بودن موضوع تاب آوری در حوزه علوم محیطی، اکولوژی و جغرافیا تعاریف زیادی را طی دهه های اخیر با توجه به رویکرد غالب و پارادایم پایداری در مباحث علمی به ارمغان آورده است. به طور خلاصه سیر تکامل مفهوم آسیب پذیری در طول زمان حوزه رویکرد تئوریک ارتباط سیستم های اکولوژیکی-اجتماعی در جدول شماره ۱ مشاهده می شود.

| مفاهیم تاب آوری | ویژگی ها | حوزه تمرکز | محتوای عمل |
|------------------------------|--|--|---|
| تاب آوری مهندسی | کارایی، بازگشت زمان | بازیابی، ثبات یا پایداری | شباهتی از تعادل پایدار |
| تاب آوری اکوسیستمی و اجتماعی | ظرفیت حائل، مقاومت در برابر شوک، حفظ عملکرد | تداوم و استحکام | تعادل متعدد، پایداری مناظر |
| تاب آوری اکولوژیکی-اجتماعی | اثر متقابل از اختلال و سازماندهی مجدد، تداوم و ایجاد توسعه | ظرفیت سازگاری، یادگیری، نوآوری، انعطاف پذیری | بازخورد یکپارچه سیستم، تعامل پویا در مقیاس متقابل |

منبع: با اقتباس از (Folke, 2006)

با عنایت بر تعاریف ذکر شده در رابطه با مفهوم تاب آوری، بنابراین هنگامی واژه تاب آوری مورد توجه قرار می گیرد که قبل از آن مخاطره یا تهدیدی در برابر سیستم مورد مطالعه وجود داشته باشد. شایان ذکر است که این تفکر غالب در رویکرد سنتی مفهوم تاب آوری است. لذا هنگام مطالعه یک سیستم از منظر ضرورت های ایجاد تاب آوری آن مهم ترین و اصلی ترین مفهومی که باید مورد ملاحظه قرار گیرد مفهوم آسیب پذیری است. به طوری که مفاهیم آسیب پذیری و تاب آوری با مفروض دانستن روابط غیرخطی بین این دو مفهوم در قالب یک طیفی که آسیب پذیری در یک سوی بردار و تاب آوری در جهت مقابل آن قرار می گیرد (شکل ۱)

جدول ۱: مشخصات یک سیستم پایدار

| مشخصه ها | مکتب فکری |
|--|--|
| درجه بالایی از تنوع در گروه‌هایی که عملکرد متنوعی را در یک اکوسیستم اجرا می‌کنند؛ فرصت‌های اقتصادی قابل دسترس؛ در منظرهایی همچون ایجاد تاب‌آوری در فرایند سیاست‌گذاری؛ در مشارکت داخلی یک جامعه؛ در منابع طبیعی که جامعه بر آن متکی است و در فعالیت‌های بازیابی، پاسخ و برنامه ریزی | بوم‌شناسی نظری + اقتصاد بر مدیریت ریسک و تنوع بخشی |
| حاکمیت موثر و موسساتی که ممکن است انسجام جامعه را افزایش دهد باید غیر متمرکز باشد، انعطاف پذیر و در تماس با واقعیت‌های محلی باشد، سیستم گسترده یادگیری تسهیل گردد؛ و همچنین اجرای سایر عملکردهای تخصصی همچون تفسیر داده‌های علمی از تغییرات آب و هوایی به راهنمایی برای سیاست‌گذاران | حکمرانی غیرمتمرکز |
| وجود اجتناب ناپذیری از عدم قطعیت و تغییر پذیرفته شده است. غیر خطی بودن و یا غیر مترقبه بودن از حوادث تصدیق می‌گردد که تغییر سیاست از یک تلاش برای کنترل تغییر و ایجاد ثبات در مدیریت ظرفیت سیستم‌ها را برای مقابله، سازگاری و تغییر شکل ایجاد می‌کند. | مشخصه تاب‌آوری |
| تخصیص دانش محلی و مشارکت جامعه در ایجاد همه طرح‌های تاب‌آوری؛ جوامع از مالکیت منابع طبیعی برخوردارند؛ جوامع باید در فرایندهای سیاسی مرتبط یک صدا باشند. | حکمرانی غیرمتمرکز |
| هدف فعالیت‌های آمادگی از قبل، مقاومت در برابر تغییر نیست اما زندگی با آن را فراهم می‌سازد. | بوم‌شناسی کاربردی در کاهش خطر بلایا |
| وجود درجه بالایی از عدالت اجتماعی و اقتصادی؛ برنامه‌های تاب‌آوری مسائلی از عدالت و برابری را هنگامی خطر در جوامع پخش می‌شود، در نظر می‌گیرد. | مشارکتی/ حکمرانی |
| تصدیق اهمیت ارزش‌های اجتماعی و ساختارهای آن به دلیل وجود ارتباط مثبت بر همکاری انفرادی در جامعه که منجر به دسترسی برابر به منابع طبیعی و تاب‌آوری بیشتر می‌شود. | مشارکتی/ عدالت اجتماعی |
| تایید پویایی‌های عدم تعادل از یک سیستم. هر رویکردی در ایجاد تاب‌آوری نباید با تفکری از بازگرداندن تعادل همراه باشد، زیرا سیستم‌ها هنگام بازگشت پس از وقوع اختلال در حالت ثبات نیستند. | تاب‌آوری |
| یادگیری مداوم و موثر مهم است. بنابراین این در قالب سیاست تکراری/ فرایندهای نهادی، یادگیری سازمانی، تمرین بازتابی، مدیریت تطبیقی و ادغام با مفهوم ظرفیت سازگاری را ممکن سازد. | یادگیری سازگاری- مدیریت |
| سیستم‌های تاب‌آور دربردارنده یک رویکرد متقابل از حوادث و رویدادها است. تاب‌آوری از طریق شبکه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی از مقیاس محلی به جهانی می‌رسد. | تفکر تاب‌آوری |

منبع: (Béné et al., 2014)

روستایی است. با توجه به ماهیت بحث تاب‌آوری و ارتباط آن با آسیب‌پذیری همان‌طور که در بخش مبانی نظری عنوان گردید در دو طرف مخالف در یک طیف قرار دارند. به طور مثال علی‌رغم قرار گرفتن یک جامعه در بستر آسیب‌پذیری بالا، بهترین پاسخ برای آن در مدیریت بحران افزایش تاب‌آوری آن در مراحل قبل از وقوع، هنگام وقوع و پس از وقوع بحران است. فرایند انجام پژوهش در ۳ مرحله اصلی تدوین یافته است. بدین شکل در گام اول، با مطالعه مبانی نظری و شرایط استان آذربایجان شرقی وضعیت نواحی روستایی مورد بررسی قرار گرفته و تا حدودی آسیب‌پذیری محیطی نواحی روستایی مورد تحلیل قرار گرفت. بنابراین تهدیدات ناشی از خطر وقوع زلزله، سیل، لغزش زمین و بحران دریاچه ارومیه با توجه به عملکردی که در نواحی روستایی می‌توانند داشته باشند مورد توجه قرار گرفت. سپس مطابق با ماهیت سنجش تاب‌آوری که در ذات خود فرایند سنجش آسیب‌پذیری را نیز شامل می‌شود. از این معیارهای سنجش در دو بخش مجزا: معیارهای آسیب‌پذیری (محیطی) و معیارهای تاب‌آوری جامعه روستایی انتخاب گردید (جدول شماره ۳).

برآیند جدول شماره ۲ و تحلیل مبانی نظری در رابطه با تاب‌آوری را می‌توان چنین عنوان کرد، مفهوم تاب‌آوری امروزه جزء لاینفک برنامه‌ریزی و توسعه محسوب می‌گردد. لذا ضرورت نگرش و بررسی تاب‌آوری نه تنها باعث ارتقاء قابلیت‌های یک سیستم در مقابله با شرایط بحرانی و کاهش آسیب‌پذیری است بلکه آن در ذات توسعه و پایداری را با رویکردی جامع به ارمغان می‌آورد. با این حال در تعریف ویژگی‌های یک سیستم تاب‌آور از آن با واژه‌هایی همانند انعطاف‌پذیری یا قابلیت برگشت به حالت قبلی را یاد می‌کنند.

روش‌شناسی و منطقه مورد مطالعه

با توجه به هدف اصلی مطالعه حاضر که درصدد شناخت قابلیت‌های نواحی روستایی به منظور ارتقاء تاب‌آوری و به عبارتی ارائه چشم‌اندازی از نقاط ضعف نواحی روستایی و آسیب‌پذیری آن است. از این رو، بدین منظور روش‌شناسی پژوهش توصیفی-تحلیلی و هدف آن کاربردی به منظور ایجاد ضرورت‌های توسعه در نواحی روستایی به عنوان راه‌حلی جهت مقابله با مسئله دیرینه کشور و برخوردی عاقلانه با مسئله توسعه‌نیافتگی نواحی

مخاطرات محیطی و به نوعی در سطح محدودی نشان دهنده سطح توسعه دهستان‌ها باشند.

جدول ۲: معیارهای آسیب پذیری و تاب‌آوری در نواحی روستایی و اهمیت نسبی آن‌ها

| نام معیار | اهمیت نسبی | نام معیار | اهمیت نسبی |
|-------------------------------|------------|------------------------|------------|
| تراکم جمعیت دهستان | ۰/۰۴۸ | نرخ فعالیت | ۰/۲۸۶ |
| فاصله از کانون ریزگردهای نمک | ۰/۲۳۸ | نرخ بیکاری | ۰/۰۹۵ |
| فاصله از نقاط لغزش زمین | ۰/۱۹۰ | فاصله از نواحی شهری | ۰/۱۴۳ |
| فاصله های از پهنه‌های سیل خیز | ۰/۱۴۳ | فاصله از جاده‌های اصلی | ۰/۱۹۰ |
| فرسایش خاک | ۰/۰۹۵ | درصد باسوادی | ۰/۰۴۸ |
| فاصله از غسل های فعال | ۰/۲۸۶ | کیفیت مصالح ساختمانی | ۰/۲۳۸ |

شکل شماره ۳ به طور کلی، معیارهای مورد استفاده که از طریق توابع مختلف در محیط نرم افزار سیستم اطلاعات جغرافیایی تهیه گردیده و به عنوان ماتریس اولیه تصمیم‌گیری در شناسایی ظرفیت تاب‌آوری نواحی روستایی در محدوده مطالعاتی به کار گرفته شده است.

در این مرحله همه معیارها در نرم‌افزار سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) به صورت رستر تهیه گردید. اهمیت نسبی معیارها و تاثیرگذاری آن‌ها در شناخت تاب‌آوری نواحی روستایی از طریق روش مجموع رتبه‌ای به دست آمد. شایان ذکر است قبل از اعمال اوزان به دست آمده بر هر یک از معیارها، اقدام به نرمال‌سازی لایه‌های اولیه به عنوان ماتریس اولیه تصمیم‌گیری از طریق روش بهنجارسازی فازی گردید. سپس پهنه‌های آسیب‌پذیر محیطی برای نواحی روستایی و تاب‌آوری جامعه روستایی از طریق تابع Cell statistic از روش مجموع (SUM) بدست آمد. فرایند انجام مراحل ذکر شده، مشابه با فرایند روش مجموع ساده وزنی (SAW) از روش‌های تصمیم‌گیری چندشاخصه است، با این تفاوت که در این پژوهش نرمال‌سازی ماتریس اولیه از طریق روش فازی صورت گرفته است. در نهایت دو لایه آسیب‌پذیری و تاب‌آوری به دست آمد. فرایند انجام پژوهش حاضر، در مرحله نهایی ارائه‌دهنده وضعیت تاب‌آوری جامعه روستایی و ارتباط آن با توسعه روستایی جهت مقابله با مسائل و مشکلات به‌وجود آمده است که در این مقاله مخاطرات محیطی بیشتر مورد توجه بوده است.

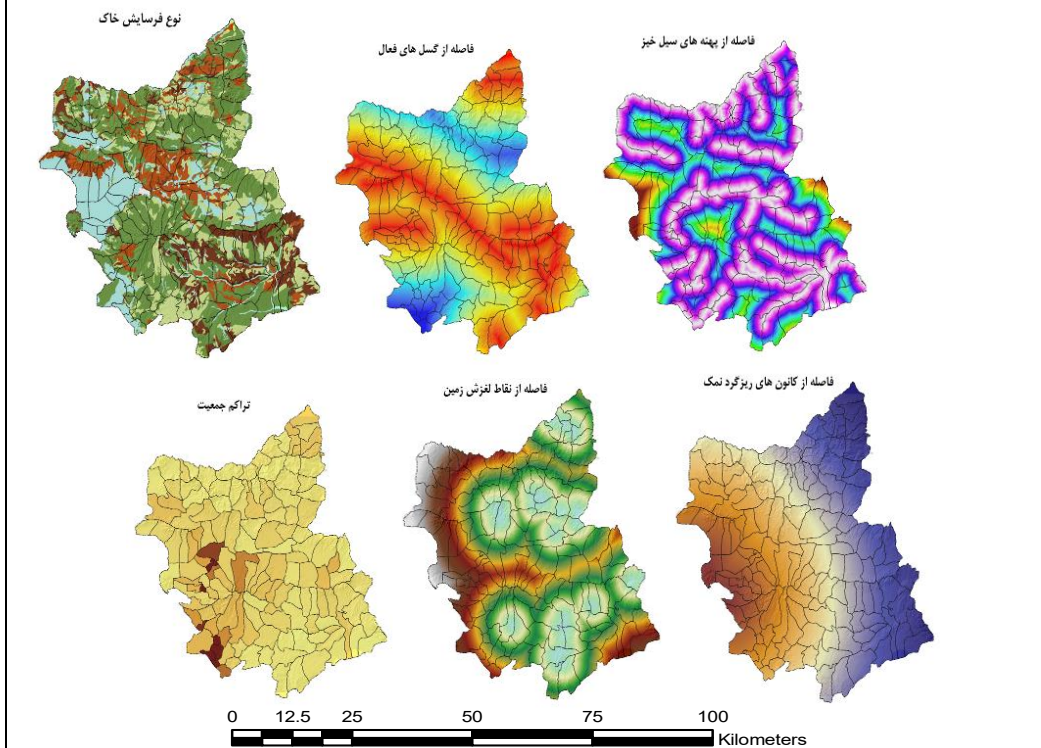
منطقه مورد مطالعه

استان آذربایجان شرقی قسمتی از شمال غربی خاک کشور را در بر می‌گیرد که در بین مختصات جغرافیایی ۳۶ دقیقه و ۴۵ درجه و ۳۹ دقیقه و ۲۶ درجه شمالی و نصف‌النهارات ۴۵ دقیقه و ۵ درجه و ۴۸ دقیقه و ۲۲ درجه شرقی قرار داد. استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۹۰ از نظر تقسیمات کشوری، دارای ۲۰ شهرستان، ۴۴ بخش، ۱۴۲ دهستان، ۵۹ شهر و ۲۹۱۱ آبادی می‌باشد. که از این میان، ۲۵۶۲ آبادی دارای سکنه شناسایی گردیده است. جمعیت کل استان در سال ۱۳۹۰ برابر با ۳۷۲۴۶۲ نفر بوده است که از این مقدار ۶۹/۲۵ درصد در نقاط شهری و ۳۰/۷۵ درصد در نقاط روستایی سکونت داشته اند.

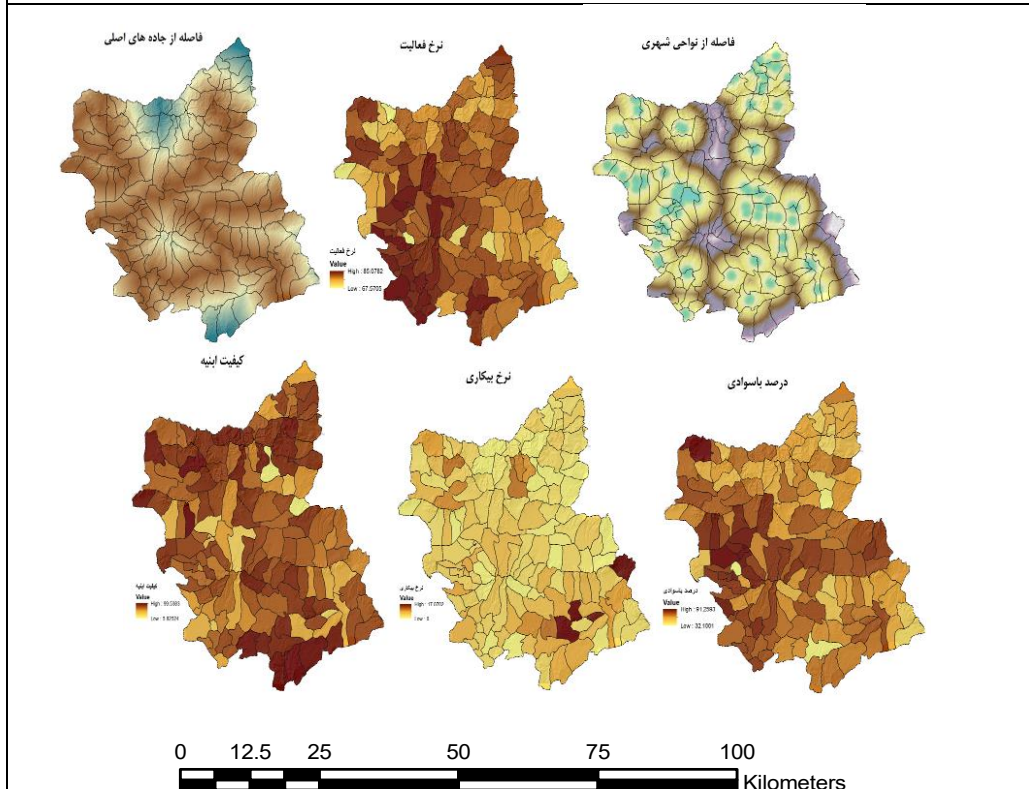
نتایج و یافته های پژوهش

مطابق با فرایند روش شناسایی پژوهش اولین گام شناخت اهمیت نسبی معیارها مورد استفاده است. از این‌رو همان‌طور که ذکر شد از روش مجموع رتبه‌ای استفاده گردید. روش مجموع رتبه‌ای از روش‌های رتبه‌بندی در تکنیک‌های وزن‌دهی است که به دلیل سهولت خود از جذابیت زیادی نزد کاربران برخوردار است. از این روش هنگامی استفاده می‌شد که پیچیدگی در فرایند تصمیم‌گیری در تعداد شاخص‌ها وجود نداشته باشد (پورطاهری، ۱۳۹۲: ۷۱). جدول شماره ۳ ارائه‌دهنده اوزان به دست آمده در دو بخش آسیب‌پذیری و تاب‌آوری است. انتخاب شاخص‌های بخش آسیب‌پذیری ناشی از خطر و تهدید وقوع مخاطرات محیطی در محدوده مطالعاتی صورت گرفته است بنابراین، با توجه به در دسترس بودن داده و فضایی کردن آن در سطح دهستان‌های استان آذربایجان شرقی سعی گردید از معیارهایی استفاده شوند که بیان‌کننده وضعیت و ظرفیت تاب‌آوری جامعه روستایی در برابر

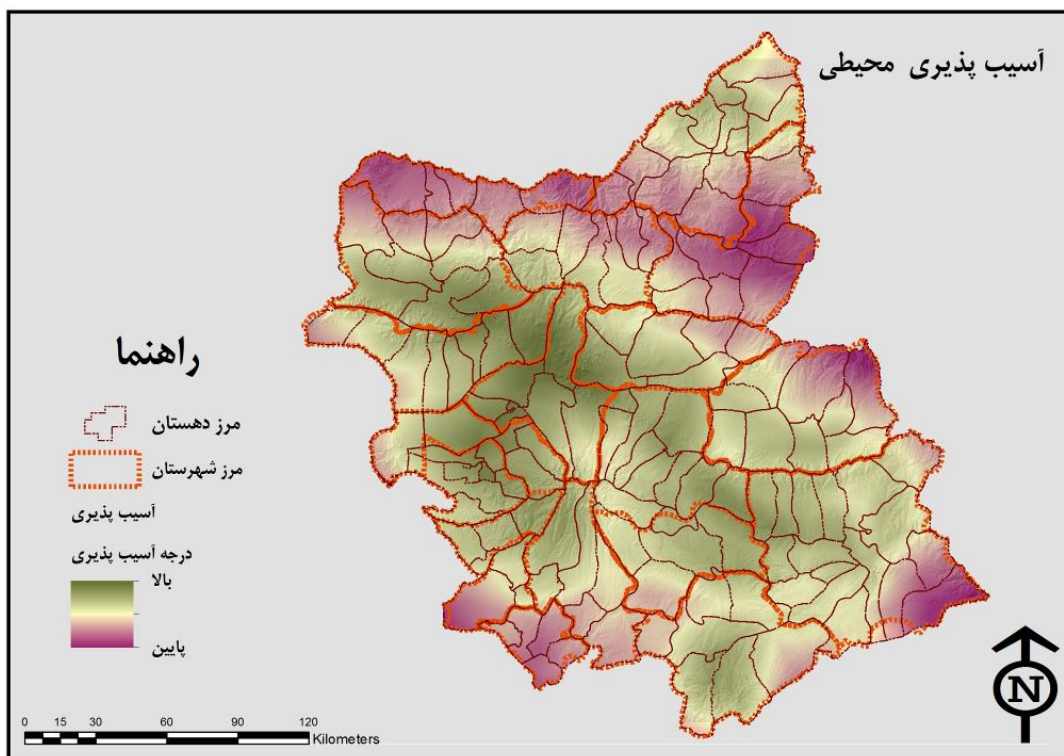
معیارهای آسیب پذیری



معیارهای تاب آوری



شکل ۲: لایه های ماتریس اولیه سنجش آسیب پذیری و تاب آوری



شکل ۳: وضعیت آسیب پذیری در استان آذربایجان شرقی

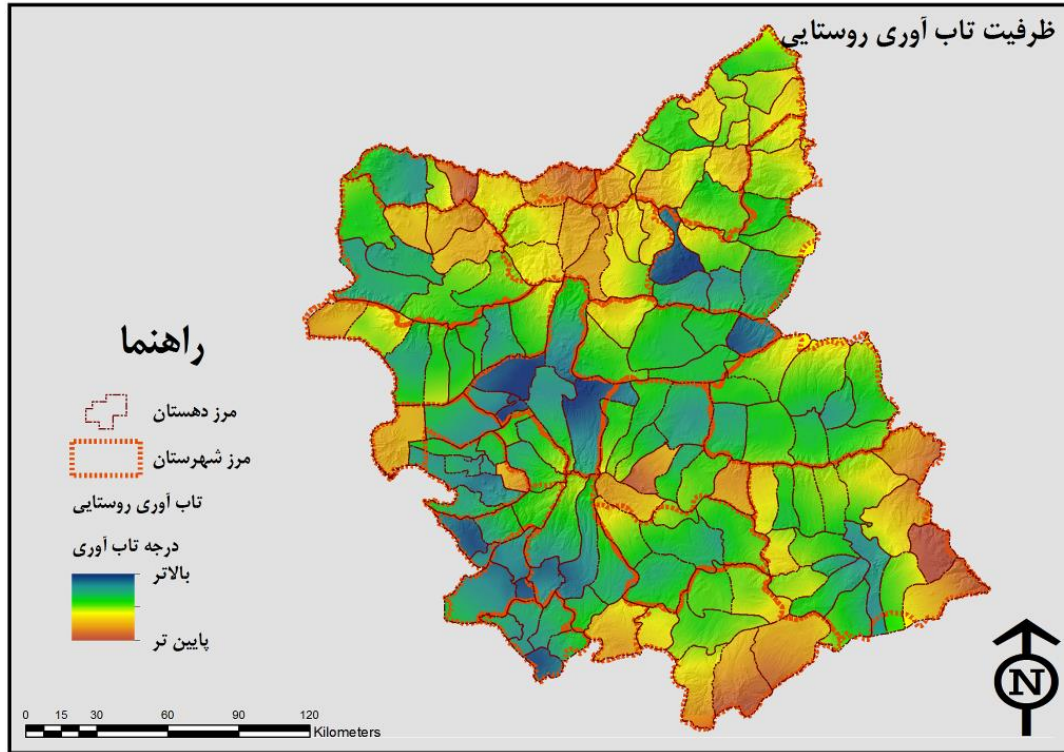
تاثیرگذاری بر بخش کشاورزی و به تبع آن زندگی جوامع روستایی به ویژه در منطقه کرانه شرقی دریاچه ارومیه از جمله ضرورت‌ها و چالش‌های نظام برنامه‌ریزی محلی است. لذا با بررسی و تحلیل نقش مخاطرات محیطی بر جوامع انسانی ضرورت‌های توسعه انسانی در سطوح مختلف نظام برنامه‌ریزی محقق می‌شود. در این مطالعه مناطقی که به عنوان بیشترین مقدار آسیب‌پذیر شناخته شدند نسبت به سایر مناطق در ظرفیت بالاتری از تاب‌آوری قرار دارند نظیر این مورد را می‌توان در منطقه کرانه شرقی دریاچه ارومیه با وقوع بحران خشک شدن آن یافت. همان‌طور که شکل شماره ۵ نشان می‌دهد شاغلان در بخش کشاورزی در منطقه کرانه شرقی دریاچه ارومیه نسبت به سایر دهستان‌ها بیشتر است. همچنین بیشترین تراکم نسبی جمعیت به این منطقه اختصاص یافته است. در بخش صنعت مشاهده می‌شود که مرکز استان در دهستان‌های تابعه شهرستان تبریز نسبت به سایر دهستان‌ها از برتری نسبی برخوردارند. علاوه بر این فعالیت غالب پهنه‌های جنوبی و شمالی استان که جزو مناطق محروم استان محسوب می‌شوند کشاورزی و تراکم جمعیت در این نواحی نسبت به سایر نواحی روستایی پایین است.

یافته‌های پژوهش نشان داد، که ۷۶ دهستان با جمعیت کل ۶۸۵۳۶۱ نفر در پهنه‌های آسیب‌پذیری بالا هستند. جهت سهولت کار نقشه‌نمایی از وضعیت آسیب‌پذیری در محورهای اصلی آن و پهنه‌های بیشترین میزان تاب‌آوری در شکل شماره ۶ نشان داده می‌شود.

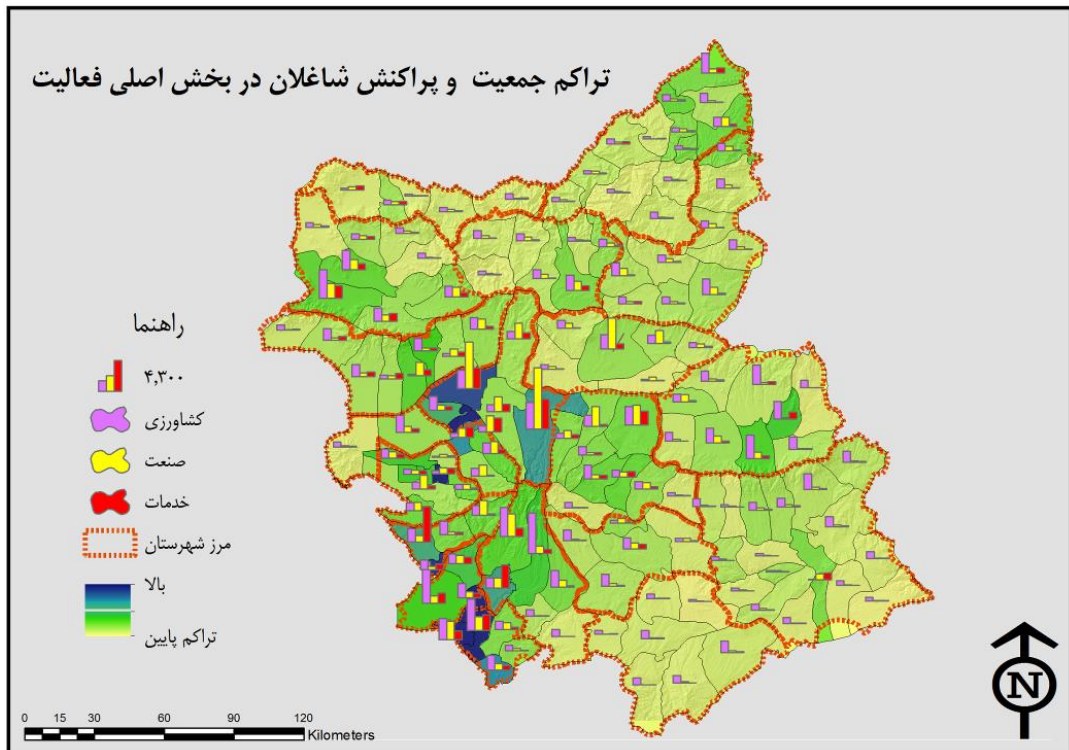
همان‌طور که در بخش روش‌شناسی تحقیق توضیح داده شد، فرایند شناسایی ظرفیت در تاب‌آوری نواحی روستایی در دو مرحله سنجش آسیب‌پذیری و تاب‌آوری جداگانه محاسبه گردید. نتایج هر یک از مراحل ذکر شده: آسیب‌پذیری محیطی و تاب‌آوری نواحی روستایی در شکل‌های ۳ و ۴ مشاهده می‌گردد.

همان‌طور که از نتایج به دست آمده از سنجش وضعیت آسیب‌پذیری محیطی و تاب‌آوری جامعه روستایی طبق شکل‌های ۳ و ۴ مشخص است کمربند آسیب‌پذیری ناشی از تهدیدات و مخاطرات محیطی از ناحیه جنوب شرقی استان به سمت شمال غربی استان را احاطه کرده است. به عبارت دیگر، علاوه بر این کمربند ذکر شده، منطقه کرانه شرقی دریاچه ارومیه، پهنه‌هایی از جنوب استان در شهرستان چارویماق و پهنه‌هایی از گوشه شمال شرقی استان در شهرستان کلبر در معرض بالاترین آسیب‌پذیری محیطی قرار دارند. در مقابل، برآورد ظرفیت تاب‌آوری جوامع روستایی که طبق شکل شماره ۴ به تفکیک دهستان‌های استان مشاهده می‌گردد، با در نظر گرفتن تاب‌آوری پایین از طیف میانگین راهنمای نقشه که شامل پهنه‌های قهوه‌ای و زرد رنگ را می‌شود. نواحی مرکزی در شمال استان و نواحی جنوبی و جنوب شرقی در پایین‌ترین ظرفیت تاب‌آوری قرار دارند.

ضرورت ایجاد تاب‌آوری در پهنه سرزمین با توجه به ویژگی‌های محیطی حاکم بر یک منطقه و تلفیق آن با ویژگی‌های انسانی است. تغییرات اکوسیستم دریاچه ارومیه و تداوم روند خشکی آن در نواحی روستایی حاشیه کرانه شرقی آن و جنوب غربی استان، به دلیل عملکرد و کارکرد اکوسیستم دریاچه ارومیه و نقش آن در



شکل ۴: وضعیت تاب آوری جامعه روستایی در سطح دهستان در استان آذربایجان شرقی



شکل ۵: تراکم جمعیت و پراکنش شاغلان در بخش های سه گانه اصلی فعالیت

پورطاهری، مهدی (۱۳۹۲)، کاربرد روش‌های تصمیم‌گیری چندشاخصه در جغرافیا، انتشارات سمت، تهران، چاپ سوم

Adger, W. N. (2006). Vulnerability. *Global Environmental Change*, 16(3), 268–281.

Béné, C., Newsham, A., Davies, M., Ulrichs, M., & Godfrey-Wood, R. (2014). Review article: Resilience, poverty and development. *Journal of International Development*, 26(5), 598–623.

Borda-Rodriguez, A., & Vicari, S. (2014). Rural co-operative resilience: the case of Malawi. *Journal of Co-Operative Organization and Management*, 2(1), 43–52.

Folke, C. (2006). Resilience: The emergence of a perspective for social–ecological systems analyses. *Global Environmental Change*, 16(3), 253–267. <http://doi.org/http://dx.doi.org/10.1016/j.gloenvcha.2006.04.002>

Heijman, W., Hagelaar, G., & Heide, M. (2007). Rural resilience as a new development concept. In *Development of agriculture and rural areas in Central and Eastern Europe. 100th seminar of the EAAE*. Novi Sad, Serbia.

McManus, P., Walmsley, J., Argent, N., Baum, S., Bourke, L., Martin, J., ... Sorensen, T. (2012). Rural Community and Rural Resilience: What is important to farmers in keeping their country towns alive? *Journal of Rural Studies*, 28(1), 20–29.

PANEL, I. (2012). Managing the risks of extreme events and disasters to advance climate change adaptation.

Rigg, J., & Oven, K. (2015). Building liberal resilience? A critical review from developing rural Asia. *Global Environmental Change*, 32, 175–186.

Wang, S. H., Huang, S. L., & Budd, W. W. (2012). Resilience analysis of the interaction of between typhoons and land use change. *Landscape and Urban Planning*, 106(4), 303–315. <http://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2012.04.002>

Wilson, G. A. (2012). Geoforum Community resilience , globalization , and transitional pathways of decision-making. *Geoforum*, 43(6), 1218–1231. <http://doi.org/10.1016/j.geoforum.2012.03.008>

جایگاه نظام مدیریت زمین در مطالعات آمایش سرزمین

دکتر کرامت‌اله زیاری، استاد گروه جغرافیای انسانی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران
رامین قربانی، دانشجوی کارشناس ارشد، جغرافیا و برنامه‌ریزی آمایش سرزمین، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

چکیده

از آنجایی که مهمترین مؤلفه تمایز و افتراق علم جغرافیا در قیاس با سایر علوم، مکان‌مندی و مکان‌مبنا بودن آن است. در نتیجه برای تحقق بسیاری از طرح‌های توسعه متکی به زمین است. آمایش سرزمین؛ آرایش فضای جغرافیایی و سرزمین به منظور نظام اسکان و فعالیت است. این علم کاربردی برای سامان‌مند کردن فضای زندگی بشر نیازمند نگرشی سیستمی به زمین (سرزمین) به عنوان بستر رشد و بالندگی است. هر قدر که اطلاعات و شناخت ما از این بستر کامل‌تر و ژرف‌تر باشد، تحلیل هم‌پیوندی اهداف و فرآیندها در این رابطه آسان‌تر خواهد بود. نکته قابل ذکر آن‌که فرآیند آمایش سرزمین در نهایت می‌باید به آسایش سرزمین منتهی گردد. این مقاله از نظر هدف؛ توسعه‌ای و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی است. در این مقاله می‌کوشیم با بازطرح مفاهیم سطوح کلان در خصوص مدیریت زمین، به تشریح روابط آمایش سرزمین و مطالعات توسعه و التزام به دیدگاهی جامع در این زمینه بپردازیم.

واژگان کلیدی: مدیریت زمین، آمایش سرزمین، کاربری زمین، رویکرد یکپارچگی.

مقدمه

امروزه در سرتاسر جهان، از کشورهای سرمایه‌داری غرب گرفته تا کشورهای فقیر آفریقایی و آمریکای لاتینی، بر ضرورت برنامه‌ریزی برای یک توسعه پایدار تاکید می‌شود. انسان، پس از پشت سر گذاشتن یک دوره توسعه اقتصادی در یک قرن گذشته، که عوارض نامطلوب شدیدی، از آلودگی هوا و تخریب محیط‌زیست گرفته تا انزوای انسان در لایه‌لای تکنولوژی دست ساخته به همراه داشته است، اکنون بازنگری به هدف‌های چنین توسعه‌ای را ضروری تشخیص داده است. مباحث محیط‌زیست، امروزه جدیدتر از هر زمان دیگری و در سطوح بالاتر و گسترده‌تر از سطوحی که قبلاً

عنوان می‌شده است، مطرح است. امروزه در مباحث محیط‌زیست، بحث بقا یا عدم بقای انسان مطرح است، و بحث توسعه با اولویت‌پایداری نسبت به رشد اقتصادی سریع، عنوان می‌شود (Wacker- nagel, 1998). پیشرفت و توسعه را زمانی همان مقهور ساختن و تسخیر طبیعت می‌دانستند، ولی امروزه، به دلایل چندی، این دیدگاه مورد تردید قرار گرفته است. پس از این‌که تسخیر طبیعت به تخریب محیط‌زیست و زندگی انسان؛ که خود جزئی از این طبیعت است، منجر شد؛ امروزه بحث توسعه غیر مخرب و پایدار و ضرورت حفاظت از محیط‌زیست، اهمیت بسیاری یافته است.

در مراکز علمی و پژوهشی جهان، اکنون تحولی به سوی مطالعات منطقه‌ای و محلی، به منظور شناخت بهتر قابلیت‌های مناطق مختلف و به‌کارگیری آن‌ها در برنامه‌ریزی توسعه، به شدت جریان دارد. هدف‌هایی که برای این حرکت مطرح می‌شود، عمدتاً بر تحقق توسعه درون‌زای متکی بر منابع و توان‌های موجود در هر منطقه، و توسعه پایدار که بر ضرورت عدم تخریب محیط‌زیست استوار است، دور می‌زند.

آمایش سرزمین با نگرش سیستمی خود قادر است تا مسائل مکانی مختلف از جمله زمین را محدود به نیازهای مادی و در سطوح خرد نبیند بلکه با تأثیرگذاری و اثرپذیری عناصر مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، با ترسیم یک دورنمای مطلوب، مضرات را دفع کند و زمین یا سرزمین را به عنوان یک موهبت الهی نه برای نسل کنونی بشر بلکه نسل‌های بعدی ببیند (مثنوی، ۱۳۹۰: ۵۷). از آن‌جا که ماهیت بسیاری از مصائب و مشکلات کنونی بشر ریشه در دید محدود و تک‌بعدی او به مسائل دارد. جهان پیرامون ما به دلیل پویایی و سرعت تغییرات و همچنین تنوع موضوعات از یک ساختار پیچیده برخوردار است. درک و تحلیل این تغییرات و موضوعات جز با درک کلیت سیستم‌ها امکان‌پذیر نیست. دیوید هاروی، جغرافیدان برجسته انگلیسی معتقد است، نگرش سیستمی است که قادر است برای جهان پیچیده ما جواب‌های قانع‌کننده‌ای پیدا کند. (Harvey, 1969) باید به این مسأله توجه داشته باشیم اجزاء و عناصر سیستم در کلیت سیستم تأثیر قاطع دارد. تغییرات یک سیستم از تأثیرات محیط در کلیت و اجزاء سیستم حاصل می‌گردد. یعنی هر تغییری که در روابط سیستم با محیطش بوجود می‌آید، ابتدا اجزاء و عناصر سیستم را تحت تأثیر قرار می‌دهد و سپس از طریق کلیت سیستم همه اجزاء و عناصر سیستم از تغییرات حاصل تأثیر می‌پذیرد.

حال با این شرایط، انسان و زمین به عنوان جزئی از یک سیستم بزرگ‌تر با عنوان فضا، از یک رابطه تنگاتنگ برخوردارند. هر قدر که رابطه انسان و زمین مثبت‌تر و اندیشمندانه‌تر باشد، فضا آراسته‌تر و مشکلات کمتر است و بالعکس. زمین سرمایه طبیعی بشر است که حیات اجتماعی با استفاده و توسعه آن شکل می‌گیرد. دو نقطه نظر متفاوت و کاملاً متضاد در مورد زمین وجود دارد. از یک طرف به زمین به عنوان دارایی و ثروت توجه می‌شود. به این معنی که زمین یک کالای خصوصی است که می‌تواند مورد استفاده و تحت مالکیت قرار گیرد و برای آسایش یا منفعت، خرید و فروش شود. از طرف دیگر به زمین به عنوان

یک منبع طبیعی مشترک نگاه می‌شود که باید به‌طور مشروط تقسیم و حفظ شود تا در رابطه با تاثیر آن بر روی اجتماع و شرایطی که به نسل‌های آینده منتقل می‌شود مورد توجه قرار گیرد (سیف‌الدینی، ۱۳۸۱: ۱۶۵). این موضوع ضرورت استفاده هدفمند و کنترل شده از زمین را روشن‌تر می‌کند و اینجاست که آمایش سرزمین به عنوان یک علم بین‌رشته‌ای با یک دید همه‌سوی و سیستمی قادر است تا با پیش‌بینی نیازها (مادی و معنوی) و اهداف به‌ویژه در زمینه کاربری زمین به ارائه کامل‌ترین برنامه‌ها با در نظر گرفتن تمامی ابعاد و در تمام سطوح اعم از ملی تا محلی (شهری و روستایی) بپردازد.

مواد و روش‌ها

هدف این مقاله بازبینی و بازطرح دیدگاه‌های مطرح در خصوص مدیریت زمین در سطوح کلان و محلی است. این مقاله با تکیه بر منابع اسنادی موجود و به روش کتابخانه‌ای، به بررسی رابطه برنامه‌ریزی آمایش سرزمین و انواع برنامه‌ریزی مرتبط با عرصه‌های زیستی و معیشت به‌ویژه برنامه‌ریزی و مدیریت کاربری زمین و اهمیت فضایی آن با توجه به طرح مباحث جدید، از جمله نگرش سیستمی در برنامه‌ریزی و لزوم توسعه پایدار می‌پردازد. این مقاله از نظر هدف؛ توسعه‌ای و از لحاظ روش؛ توصیفی-تحلیلی است.

مبانی نظری

آمایش و مدیریت سرزمین

آمایش سرزمین، فرآیند تخصیص فعالیت‌ها و کاربری‌های مشخصی از فضا در یک منطقه است. مسائل تصمیم‌گیری مکانی مانند آمایش سرزمین نه تنها نیازمند روش‌های فنی هستند بلکه ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و سیاسی را در بر می‌گیرد که با یکدیگر در تضاد هستند (Eldrandaly, 2010). این تعریف به خوبی نشان می‌دهد که آمایش سرزمین وسیله یا ابزاری برای ایجاد هماهنگی در میان بخش‌های در دست برنامه‌ریزی و سطوح سیاست‌گذاری است. انجام فرآیند آمایش سرزمین و تعیین نوع استفاده مناسب از منابع و سرزمین نه تنها در قالب برنامه‌بنیادی و جامع باید ارائه شود بلکه با در نظر گرفتن همه شرایط لازم، نیازمند یک ارزیابی دقیق و پیش‌بینی ملاحظات سازمانی، قانونی و اجرائی گزینه‌های بهینه می‌باشد. در اغلب طرح‌های آمایشی که از اواخر دهه ۶۰ شمسی بر پایه ارزیابی توان اکولوژیکی به انجام رسیده است، شناخت دقیق ویژگی‌های اکولوژیکی واحدهای زیست‌محیطی به تنهایی پیش‌نیاز و لازمه کار فرآیند آمایش سرزمین بوده است. به عبارتی تعیین کاربری‌های بهینه صرفاً بر اساس قابلیت‌ها و تنگناهای طبیعی واحد ارزیابی بوده که در مقایسه یا مدل‌های مرسوم، درجه‌بندی کیفی آن‌ها نیز مشخص می‌شده است. ولی تجربه نشان می‌دهد که اجرای طرح‌های آمایشی بدون توجه به نیازهای اقتصادی-اجتماعی جوامع ذینفع امکان‌پذیر نیست. بدین لحاظ در دهه اخیر گرایش به لحاظ نمودن ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی صرفاً از طریق شناخت

و دسته‌بندی داده‌ها و توان‌های موجود در طرح‌های آمایشی به چشم می‌خورد.

یک نکته حائز اهمیت این است که ارزیابی زیست‌محیطی، در قالب طرح آمایشی باید یک ارزیابی اکولوژیکی و اقتصادی-اجتماعی و کالبدی باشد. به عبارتی اگر توان اکولوژیکی یک واحد همگن زیست‌محیطی بر اساس مقایسه قابلیت‌ها و تنگناهای آن با الگو و معیارهای متداول برآورد می‌شود، در همان حال باید توان اقتصادی-اجتماعی و کالبدی واحد زیست‌محیطی بر اساس مقایسه قابلیت‌ها و کمبودهای اقتصادی-اجتماعی با الگو و معیارهای تدوین شده تعیین شود، لذا نقش مدل‌های اقتصادی-اجتماعی کالبدی و اهمیت توسعه آن‌ها در جامعه ما انکارناپذیر است. به‌ویژه نبود معیارها، الگوها، استانداردها در این زمینه معمولاً مانع از نفوذ گسترده آن‌ها در طرح‌های آمایشی می‌شود. مسأله دیگر این است که در انجام فرآیند آمایش سرزمین به روش دستی وقت و هزینه زیادی صرف می‌شود تا در نهایت سند آمایشی با مشخص نمودن کاربری‌های بهینه ارائه گردد، بدون این‌که سنجش و مقایسه‌ای با کاربری اراضی کنونی انجام گرفته و یا با استفاده از روش‌های آماری میزان انطباق کاربری‌های بهینه با کاربری فعلی اراضی مشخص شود. صرف وقت و هزینه زیاد دیگر مجالی برای بررسی پیش‌بینی ملاحظات سازمانی، قانونی و اجرائی کاربری‌های بهینه و تعیین ضوابط و مقررات نحوه استقرار فعالیت‌های کنونی و آتی در پهنه کاربری‌های برآوردی باقی نمی‌گذارد (محموظی و همکاران، ۱۳۸۰: ۱۰۵).

از طرف دیگر ممکن است در منطقه طرح یک دسته فعالیت‌ها در گستره کاربری‌های برآوردی مستقر شده باشند یا آن‌که جهت استقرار برخی فعالیت‌ها در آینده پیش‌بینی‌هایی انجام گرفته باشد. لذا ضرورت دارد تعیین تکلیف فعالیت‌ها براساس ضوابط و مقرراتی صورت گیرد که آمایشگر با بهره‌گیری از دانش کارشناسان زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی و... و یا استعلام از سازمان‌های مرتبط تهیه و تدوین می‌کند.

در فرآیند آمایش سرزمین ایجاد ارتباط چند جانبه بین داده‌های متنوع و فراوان اکولوژیکی و اقتصادی-اجتماعی مربوط به یک منطقه وسیع جغرافیایی از طریق روش‌های دستی بسیار وقت‌گیر، پرهزینه و کم دقت است. علاوه بر این، در برنامه‌ریزی و حل مشکلات در مقیاس منطقه‌ای یا محلی برای پیش‌بینی روند آتی و طرح سناریوهای مختلف، به مدل‌های خاصی نیاز است تا از طریق به‌کارگیری داده‌های مختلف، گزینه‌های ممکن مورد آزمون قرار گرفته و نتایج آزمون، انتخاب گزینه مناسب را رهنمون شود. استفاده از این مدل‌ها جزء لاینفک فرآیند برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری صحیح برای حل یک یا چند مسأله و تنظیم بهینه ارتباط انسان، مکان و فعالیت می‌باشد.

مدیریت زمین

مدیریت زمین عبارت است از «فرآیند شناخت، ثبت و انتشار اطلاعات در رابطه با مالکیت، ارزشی، کاربری و توسعه زمین به منظور پیاده‌سازی سیاست‌های مرتبط با زمین و زمین‌داری».

مشارکت فعال همه کسانی که با تصمیم‌گیری روی کاربری زمین و مدیریت آن سروکار دارند به ویژه اجتماعات و افراد در سطح محلی (مشکینی و نورمحمدی، ۱۳۹۲: ۱۱).

در این نوع برخورد (آمایش سرزمین) هریک از مناطق زیستی به سان یک نظام زیستی واحد پنداشته می‌شود. هر کدام از این نظام‌های زیستی، شامل عناصر گوناگونی است، از قبیل آب، خاک، گیاه، حیوان و انسان، که از طریق فعالیت‌های هدفدار، این عناصر با یکدیگر ارتباط می‌یابند. انسان با فعالیت‌هایش، این عناصر گوناگون را به یکدیگر پیوند می‌دهد و محصول کار و فعالیت او، در حقیقت، محصول تکامل یافته‌ای از فعالیت این عناصر و کنش و واکنش بین آن‌هاست. نظریه پردازان محیط‌زیست معتقدند که هرچه شناخت انسان در مورد عناصر نظام‌زیستی پیرامون خود ژرف‌تر و کامل‌تر باشد، محصول فعالیت او کامل‌تر گشته و عناصر محیط نیز به شکل بهتری مورد استفاده قرار می‌گیرند. شناخت بهتر، به نگاه‌داری و بقای این عناصر نیز منجر می‌شود. چون این شناخت، به وابستگی انسان به این عناصر می‌افزاید و انسان ناچار است به حفظ تعادل این عناصر بکوشد، و در نهایت، توسعه پایدار را تحقق بخشد (مطوف، ۱۳۷۶: ۵۴).

جدول شماره ۱. اقدامات پیشنهادی توسط دستور کار محلی ۲۱ در حوزه مدیریت پایدار زمین

| |
|--|
| ۱. رویکرد یکپارچه به برنامه‌ریزی و مدیریت منابع زمین |
| ۲. فعالیت‌های مورد نیاز برای اجرایی نمودن رویکرد یکپارچه |
| ۱۲. فعالیت‌های مربوط به حوزه مدیریت |
| ۱۱۲. توسعه سیاست‌های پشتیبان و ابزارهای سیاست |
| ۲۱۲. تقویت نظام‌های برنامه‌ریزی و مدیریت |
| ۳۱۲. تشویق به کارگیری ابزارهای مناسب برای برنامه‌ریزی و مدیریت |
| ۴۱۲. افزایش آگاهی |
| ۵۱۲. تشویق مشارکت عمومی |
| ۲۲. داده‌ها و اطلاعات (تقویت نظام‌های اطلاعات) |
| ۳۲. هماهنگی و تعاون بین المللی و منطقه‌ای |
| ۴۲. توسعه منابع انسانی |
| ۵۲. ظرفیت‌سازی |

منبع: www.localaction21.org

منابع

رجبی فرد، عباس (۱۳۹۱). مباحث نوین در توانمندسازی جامعه با زیرساخت اطلاعات مکانی و مدیریت زمین، انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.

زیاری، کرامت‌ا. (۱۳۸۶). برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری، انتشارات دانشگاه بزد، بزد، ۲۴۸ ص.

سیف‌الدینی، فرانک (۱۳۸۱). مبانی برنامه‌ریزی شهری، نشر آبیژن، ۲۴۸ ص.

لرگیان؛ احسان و رنج آزمای آذری؛ محمد (۱۳۸۹). بررسی و تحلیل مدیریت توسعه زمین از طریق رویکرد اصلاح مجدد زمین با تأکید بر مقوله انتقال حق مالکیت زمین، مدیریت شهری، شماره ۲۵، بهار و زمستان ۱۳۸۹، صص ۱۶۸، ۱۴۷.

مشکینی؛ ابوالفضل و نورمحمدی، مهدی (۱۳۹۲). تحلیل چالش‌های پیش رو مدیریت شهری در کشورهای در حال توسعه، پنجمین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، مشهد، ۵ و ۴ اردیبهشت ماه ۱۳۹۲، صص ۲۷، ۱.

مطوف، شریف (۱۳۷۶). نگاهی به نظریه منطقه‌گرایی زیستی و امکان استفاده از آن در برنامه‌ریزی منطقه‌ای در ایران، فصلنامه برنامه و بودجه، شماره ۱۵، صص ۵۸، ۴۷.

مثنوی، محمدرضا (۱۳۹۰). اکوسیستم شهری پایدار، پارادایم یا پارادوکس؟ ضرورت بازنگری رابطه شهر و محیط زیست، ویژه‌نامه منظر، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، شماره ۱۶، صص ۵۹، ۶۳.

محفوظی، محسن؛ درویش صفت، علی اصغر؛ مخدوم، مجید (۱۳۸۰). آمایش سرزمین حوزه آبخیز دادقان نفرش با استفاده از سامانه اطلاعات جغرافیایی، فصلنامه محیط‌شناسی، تابستان ۱۳۸۰، شماره ۲۷، صص ۱۰۸، ۹۹.

[9] Eldrandaly, Kh. (2010), A GEP-based spatial decision support system for multisite land use allocation. Applied soft computing, 10, 694-702.

[10] Harvey, D. (1969). Explanation in geography.

[11] Wackernagel, M., & Rees, W. (1998). Our ecological footprint: reducing human impact on the earth (No. 9). New Society Publishers.

[12] www.localaction21.org

بررسی توانمندی‌ها و راهکارهای توسعه گردشگری روستایی

(نمونه موردی روستای رادکان)

حسین پناهی، دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

صنعت گردشگری یکی از منابع مهم تولید، درآمد، اشتغال و ایجاد زیرساخت‌ها برای نیل به توسعه پایدار به شمار می‌آید. گردشگری روستایی به عنوان فرآیندی در توسعه روستایی قلمداد می‌شود که با ایجاد فعالیت‌های مکمل کشاورزی، می‌تواند زمینه توسعه اقتصادی و زیست‌محیطی روستایی را در زمینه افزایش درآمد، اشتغال‌زایی و معیشت پایدار روستایی فراهم کند که بهبود کیفیت زندگی و توزیع متعادل و مناسب خدمات و تسهیلات را به همراه دارد. دولت‌ها سیاست‌های مختلفی را به منظور توسعه گردشگری روستایی در مقیاس‌های گوناگون، از سطح محلی تا سطح ملی به کار گرفته‌اند. امروزه صنعت گردشگری روستایی به عنوان یک راهبرد می‌تواند با برنامه‌ریزی اصولی و شناسایی مزیت‌ها و محدودیت‌های گردشگری روستایی، نقش موثری در توسعه و تنوع بخشی به اقتصاد منطقه‌ای بر عهده داشته باشد.

هدف در این پژوهش شناسایی پتانسیل‌ها و محدودیت‌های توسعه گردشگری روستایی و راهبردها و راهکارهایی جهت توسعه گردشگری در روستای مورد مطالعه و بررسی نقش آن در توسعه منطقه‌ای است. بنابراین سوالات در پژوهش این است: پتانسیل‌ها و محدودیت توسعه گردشگری روستایی در منطقه کدام است؟ چه راهبردها و راهکارهای جهت توسعه گردشگری منجر به توسعه روستایی می‌شود؟ و نقش توسعه گردشگری روستایی در توسعه منطقه‌ای چگونه خواهد بود؟ منطقه مورد مطالعه دهستان رادکان واقع در خراسان رضوی می‌باشد. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی از نوع کتابخانه‌ای و پیمایشی است. که ابتدا به شناخت جاذبه‌ها، امکانات و خدمات گردشگری پرداخته شده و در جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها و ارائه استراتژی و راهبرد توسعه گردشگری روستایی از روش تحلیلی SWOT استفاده می‌شود.

کلمات کلیدی: توسعه گردشگری، توانمندی روستایی، SWOT، راهکارهای توسعه روستایی، رادکان

مقدمه

در شرایطی که قرن بیستم به پایان رسیده است، هنوز توسعه روستایی با مسائل و چالش‌های متعددی مواجه است، زیرا که راهبردهای گذشته در زمینه توسعه روستایی موفقیت‌آمیز نبوده و نتوانسته است مسائلی همچون فقر، اشتغال، بهداشت، امنیت غذایی و پایداری محیط‌زیست را تامین کند، این مساله باعث شده است که در سال‌های اخیر بار دیگر توسعه روستایی مورد توجه قرار گرفته و نظریه‌پردازان، برنامه‌ریزان و مجریان حکومتی در صدد برآیند تا با ارائه راهکارها و استراتژی‌های جدید، از معضلات و مسائلی که این نواحی گریبانگیر آن است، بکاهند. (افتخاری و مهدوی، ۱۳۸۵، ۳) یکی از عرصه‌های تنوع‌بخشی اقتصادی کشور با توجه به گونه‌گونی محیطی و مزیت‌های نسبی موجود، گردشگری است. گردشگری امروزه در اغلب کشورهای جهان به ویژه جهان سوم، کلید اقتصاد به شمار می‌رود، تا جایی که در این کشورها گردشگری از سایر برنامه‌های توسعه در اولویت قرار گرفته است (عزیزی و لطفی، ۱۳۸۸، ۲)

جریان گردشگری به روستاها، زمانی که عوامل زیرساختی و بنیادی، علاوه بر جاذبه‌های طبیعی و انسانی فراهم شود با تداوم و تقویت همراه است. از این رو جریان گردشگری به زیرساخت‌های گردشگری و توسعه گردشگری به مشارکت افراد محلی، پشتیبانی بخش دولتی و سرمایه‌گذاری‌های خصوصی وابسته است هرچند گردشگری روستایی راه‌حل نهایی برای تمامی مشکلات نواحی روستایی شمرده نمی‌شود، اما از کارکردهای مهم گردشگری روستایی، توسعه مناطق با پتانسیل‌های گردشگری روستایی است (افتخاری و قادری، ۱۳۸۳: ۲۵).

روستاهاى ایران به‌طور طبیعی در مکان‌هایی بنا شده‌اند که دارای جاذبه‌های طبیعت‌گردی هستند و بر اساس آمارهای ارائه شده، از نظر برخورداری از تنوع زیستی و جاذبه‌های متنوع طبیعی در ردیف پنج کشور دنیا و از لحاظ جذب گردشگر، در رده‌های پایین جهانی قرار دارد (استادی، ۱۳۸۳: ۲۵). بنابراین توجه به گردشگری و به‌ویژه برای توسعه فعالیت‌های گردشگری در روستاهای ایران، ارائه الگوی مناسب ضروری است (حسین‌زاده دلیر و حیدری، ۱۳۸۲: ۴۷).

گردشگری روستایی علاوه بر مزیت‌های نسبی گردشگری، می‌تواند آثار اقتصادی مهمی چون، جلوگیری از جریان مهاجرت روستایی، ایجاد اشتغال برای نیروی مازاد کار، تنوع اقتصاد روستایی در کنار دیگر بخش‌های اقتصادی، بالا بردن سطوح درآمد‌های خانوارهای روستایی و ایجاد تقاضا برای محصولات کشاورزی و صنایع دستی کمک کند (سقای، ۱۳۸۲: ۳). این درحالی است که اگرچه بیشتر از یک قرن، گردشگری در بسیاری از مناطق روستایی وجود داشته و در بسیاری از مناطق منبع اصلی درآمد و اشتغال‌زایی بوده است، اما همواره خلاء وجود استراتژی‌ها و برنامه‌ریزی‌های کارآمد در سیاست‌های توسعه روستا برای فراهم‌آوری ویکپارچه‌سازی کارکردهای گردشگری با توسعه روستایی احساس شده است. اکنون تجربه نشان

داده است که هر کجا گردشگری به طور اتفاقی و بدون وجود برنامه‌ریزی و استراتژی مشخص توسعه یابد، مشکلات زیست‌محیطی و اجتماعی متعددی ظهور پیدا کرده و در درازمدت مشکلات گردشگری بیشتر از فوائد آن می‌شود (رنجبران و زاهدی ۱۳۷۹، ۲۱) با توجه به مطالب فوق، به منظور بهبود عملکرد توسعه در مناطق روستایی بویژه منطقه مطالعه شده که به لحاظ تاریخی و اکولوژیکی دارای امکانات خاص می‌باشد، لزوم بهره‌گیری از راهبردها و راهکارهای مناسب توسعه گردشگری روستایی با توجه به شرایط و ویژگی‌های زیست‌محیطی و جاذبه‌ها و فرآورده‌های اکولوژیکی (طبیعی و انسانی) هر منطقه، به طور فرآیندهای احساس می‌شود. در این مقاله با در نظر گرفتن موارد فوق و درک این مطلب که شناخت پتانسیل‌ها و محدودیت‌های توریستی منطقه روستایی رادکان می‌تواند تأثیر سازنده‌ای بر برنامه‌ریزی مناسب گردشگری در این منطقه روستایی و رفع مشکلات و مسائل آن‌ها داشته باشد، سعی شده ضمن پاسخگویی به این سؤال که پتانسیل‌ها و محدودیت توسعه گردشگری روستایی در منطقه کدام است؟ چه راهبردها و راهکارهای جهت توسعه گردشگری منجر به توسعه روستایی می‌شود؟ و نقش توسعه گردشگری روستایی در توسعه منطقه‌ای چگونه خواهد بود؟ به بررسی و تحلیل نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها در جهت توسعه گردشگری روستایی پرداخته و در نهایت با توجه به این نظرات و دیدگاه‌ها راهبردها و راهکارهای مناسب به روش SWOT به منظور بهره‌گیری بهینه و هدفمند از نقاط قوت و فرصت‌ها و تقویت یا از بین بردن نقاط ضعف و تهدیدها در جهت دستیابی به توسعه گردشگری و توسعه روستایی ارائه شود.

مبانی نظری

مفهوم گردشگری: کلمه گردشگری معانی مختلف دارد. شاید مفیدترین و جامع‌ترین تعریف، تعریفی باشد که از سوی اریک کوهن پیشنهاد شده و گردشگر را چنین بیان می‌کند: یک مسافر داوطلب و موقت که به امید لذت بردن از یک تجربه متنوع و تازه طی یک سفر دو سره نسبتاً طولانی و غیرتکراری به مسافرت می‌پردازد. مفهوم گردشگری را می‌توان از زوایا و چشم‌اندازهای مختلف مورد بررسی قرار داد. گردشگری فعالیتی است که در آن افراد برای مقاصد تفریحی یا اقتصادی به خارج از مکان زندگی خود مسافرت می‌کنند و خدمات و کالاهایی را برای مسافرت فراهم می‌آورد و شامل مخارجی است که بازدیدکنندگان متقبل پرداخت آن‌ها شده و یا این‌که حضور آن‌ها موجب پیدایش چنین هزینه‌هایی می‌شود مطابق نظر سازمان جهانی گردشگری، که وابسته به سازمان ملل است، گردشگری بزرگ‌ترین صنعت فعال در جهان است. (عزیزی و لطفی ۱۳۸۸، ۴)

اقتصاد گردشگری میزان مسافرت‌ها و تبعات و اثرات اقتصادی آن‌ها را اعم از مستقیم، غیرمستقیم و القایی (induced) مورد سنجش و اندازه‌گیری قرار می‌دهد. گردشگری، علاوه بر جنبه‌های اقتصادی، ابعاد دیگری نیز دارد که از جمله آن‌ها روابط پیچیده

موضوعاتی است که پیش از سفر گردشگری، طی آن و حتی پس از آن وجود خواهند داشت.

جاذبه‌ها و صنعت گردشگری: یکی از راه‌های گسترش و ایجاد رونق اقتصادی، بهره‌گیری از صنعت اقتصادی گردشگری است. گردشگری یعنی انجام فعالیت‌های افرادی که به دلایلی برای آموختن و پرداختن به یافته‌های جدید به خارج از محیط معمولی خویش سفر می‌کنند، به علاوه گردشگری کارکردهای گوناگون اقتصادی و اجتماعی هم دارد. به همین دلیل است که ما شاهد اهمیت روز افزون آن در سطح جهان هستیم. همه کشورها در تلاش هستند که با رونق این صنعت از همدیگر پیشی بگیرند. زیرا گردشگری در ابعاد گوناگون نقش به‌سزایی بر جای می‌گذارد. از نظر اقتصادی منجر به افزایش سطح درآمد جامعه به خصوص درآمد اقشار کم درآمد می‌شود.

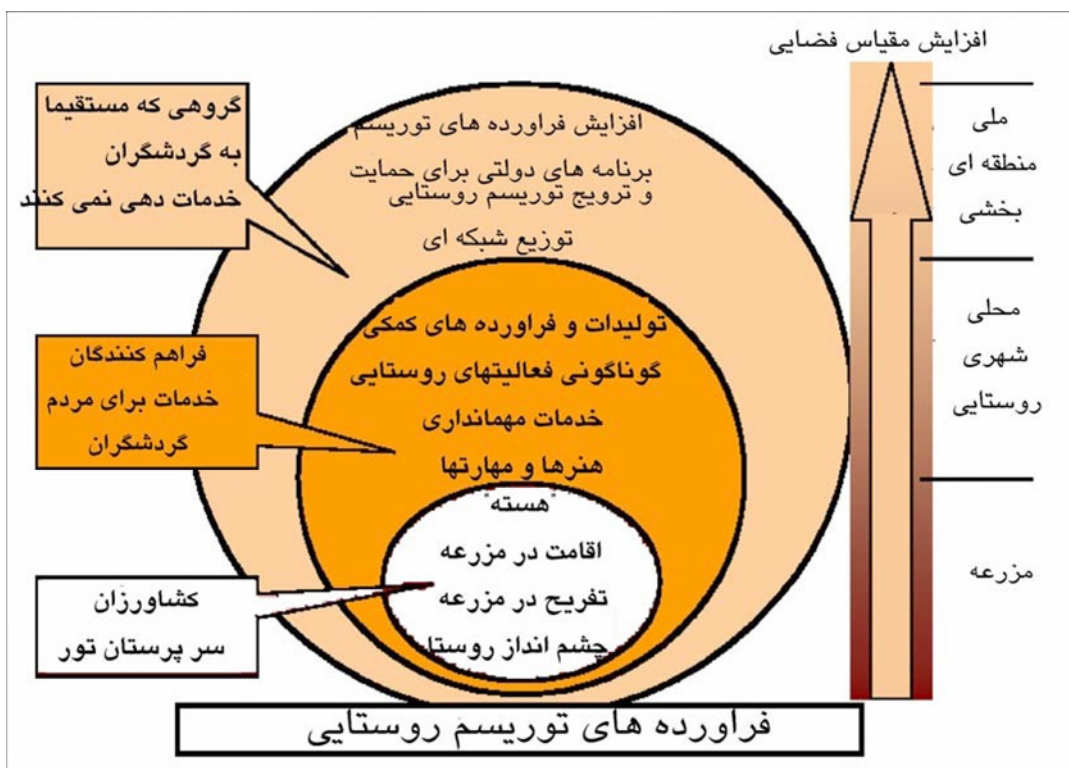
گردشگری روستایی: تقاضا و تمایل برای گردشگری با انگیزه‌های مختلف به منظور تفریح، زیارت و تجارت در تمامی جهان با سرعت باور نکردنی در حال افزایش است. بالا رفتن سطح درآمد، افزایش ایام فراغت، تغییرات و نگرش‌های جدید به مفاهیم زندگی و ضرورت تماس‌های بین‌المللی ایجاب می‌کند که گردشگری به شدت گسترش و توسعه یابد.

توریسم روستایی نیز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اشکال گردشگری سهم برجسته‌ای را در این خصوص به خود اختصاص می‌دهد. در دوران ما گردشگری روستایی یکی از مردمی‌ترین انواع توریسم محسوب می‌شود.

گردشگری روستایی می‌تواند به کلیه فعالیت‌ها و خدماتی گفته شود که به وسیله کشاورزان، مردم و دولت‌ها برای تفریح، استراحت و جذب گردشگران و نیز فعالیت‌هایی که به وسیله گردشگران در نواحی روستایی صورت می‌گیرد گفته شود، همچنین می‌تواند شامل گردشگری کشاورزی، گردشگری مزرعه، گردشگری طبیعی و گردشگری فرهنگی شود.

جدول ۱: گونه‌های گردشگری روستایی

| | |
|-------------------|---|
| گردشگری طبیعی | به‌طور عمده در تعامل با جاذبه‌های اکولوژیکی قرار دارد. |
| گردشگری فرهنگی | مرتبط با فرهنگ، تاریخ، میراث فرهنگی و باستانی مردم روستایی است. |
| گردشگری بومی | نوعی از گردشگری است که علاوه بر تعامل با جاذبه‌های طبیعی (همانند رودخانه، کوهستانها و ...) با زندگی و هنجارهای اجتماعی مردم که خود نیز در تعامل با جاذبه‌های طبیعی فوق می‌باشند، در ارتباط می‌باشد. |
| گردشگری دهکده ایی | در این نوع گردشگری، گردشگران در خانوارهای دهکده زندگی کرده و در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی روستا مشارکت می‌کنند. |
| گردشگری کشاورزی | در این نوع گردشگری، گردشگران بدون ایجاد پیامدهای منفی روی اکوسیستم مناطق میزبان یا فعالیت‌های سنتی کشاورزی در تعامل می‌باشند و یا در آن مشارکت می‌کنند. |



نمودار ۱: فراورده های توریسم روستایی (پور جعفر و دیگران ۱۳۸۷: ۴)

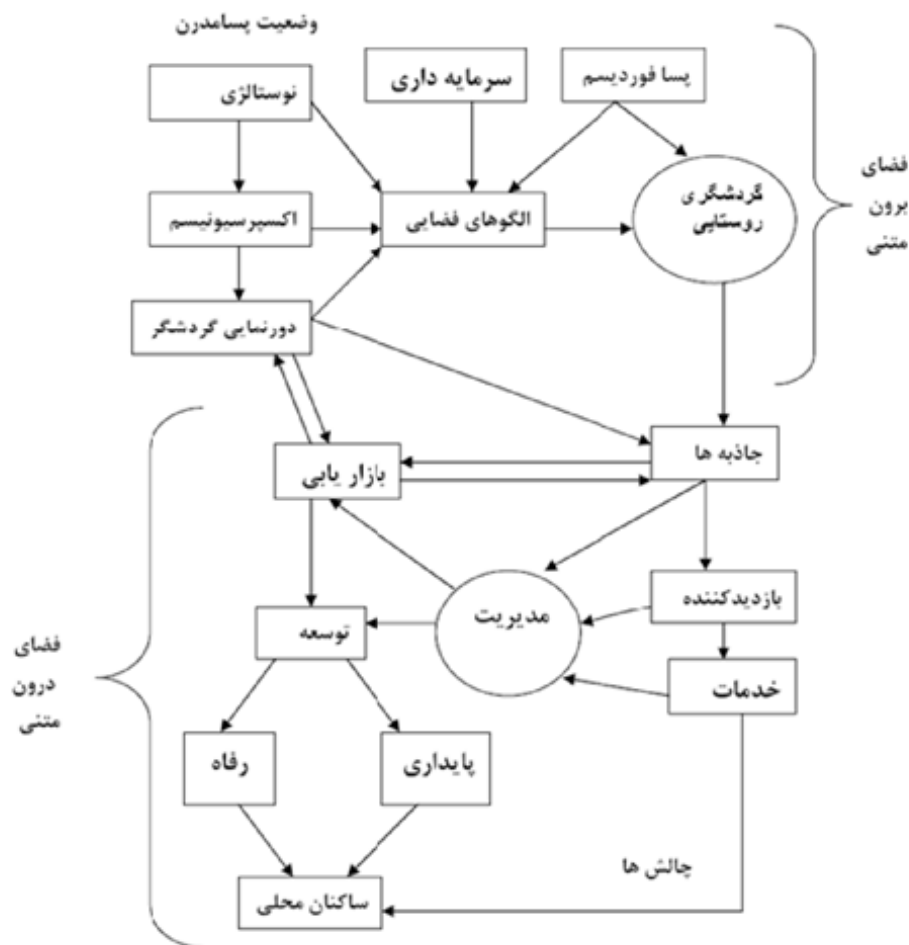
درباره توسعه گردشگری روستایی دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. برخی آن را بخشی از بازار گردشگری می‌دانند و بعضی آن را فلسفه‌ای برای توسعه روستایی مطرح می‌کنند. دیدگاه اول گردشگری را به مثابه راهبردی برای توسعه روستایی برخی نواحی دارای قابلیت می‌داند. گردشگری در این دیدگاه دارای پیامد سودمندی برای روستاییان است، از جمله ایجاد اشتغال و افزایش درآمد و در واقع روشی است برای ایجاد تغییرات مثبت در توزیع بهینه درآمد در نقاط محروم و بالابردن سطح زندگی روستاییان می‌داند.

دیدگاه دوم گردشگری را به مثابه ابزار و سیاستی برای بازساخت اقتصادی روستا مطرح می‌کند. این دیدگاه شامل فرایندهای مختلف اجتماعی و اقتصادی می‌شود. با توجه به مفهوم بازساخت که تغییر کیفی از یک وضع سازمانی به وضع دیگر است، ادبیات موجود در خصوص نقش گردشگری در بازساخت سکونتگاه‌های روستایی، نشان می‌دهد که گردشگری روستایی به منزله راهبردی برای توسعه روستا، از دهه گذشته مطرح شده و هدف آن پاسخ گویی به تغییر در سیاست‌های کشاورزی روستایی و بخشی نیز با هدف تغییر در تفکر و عمل صنعت گردشگری بوده است (افتخاری و قادری، ۱۳۸۱: ۲۳). از نگاه دیگر، هدف توسعه پایدار روستایی عبارت است از قابل زیست بودن عرصه‌های زندگی برای نسل‌های فعلی و آینده با تأکید خاص بر بهبود و توسعه مداوم و روابط انسانی و محیطی (شاکری، ۱۳۸۳: ۵۷).

گردشگری روستایی منبع مهم و جدید ایجاد درآمد برای جوامع روستایی است چرا که ایجاد شغل کرده و از فعالیت‌های خدماتی موجود (مانند: سیستم حمل و نقل، حرفه‌های سنتی و...) روستایی حمایت می‌شود. تنوع اقتصادی محلی بیشتر و اقتصاد جوامع ملی گسترده و استوار می‌شود. برای فعالیت‌های چندگانه، فرصت‌هایی به وجود می‌آید و از رکود اقتصادی جلوگیری می‌شود. با ایجاد شغل‌های جدید و به وسیله کم کردن کمک هزینه‌های کشاورزی اقتصاد محلی تقویت می‌گردد و امکانات فرهنگی و اجتماعی در روستا بیشتر می‌شود و نقش زنان در جوامع روستایی افزایش می‌یابد.

رویکردها

مرور ادبیات برنامه‌ریزی گردشگری نشان می‌دهد که تا کنون، چهار رویکرد عمده در مورد برنامه‌ریزی بخش گردشگری وجود داشته است. نخست، دیدگاه رشدگرا که گردشگری را ابزاری برای بهبود شاخص‌های اقتصادی می‌داند. دوم، رویکرد فیزیکی-فضایی که گردشگری را یک پدیده فضایی و منبع مورد استفاده در ساماندهی فضاها دانسته و مورد مطالعه قرار می‌دهد. سوم، دیدگاه اجتماعی که گردشگری را برای شکوفایی بهبود شرایط زیستی جوامع مفید می‌داند و چهارم، رویکرد توسعه پایدار که گردشگری را به مثابه ابزاری توانمند در راستای اجرای سیاست‌های توسعه پایدار مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد و رویکردی جدید به شمار می‌رود. (افتخاری و مهدوی ۱۳۸۸: ۵)



شکل ۱. مدل مفهومی از گردشگری روستایی (پاپلی یزیدی و سقایی، ۱۳۸۵: ۲۰۵)

افزایش تعداد گردشگران و سود حاصل از سرمایه‌گذاری است (سقایی، ۱۳۸۲: ۲۱۰).

محدوده مورد مطالعه

روستای رادکان با توجه به مختصات جغرافیایی در شرق ایران اسلامی و در شمال استان خراسان رضوی و تقریباً در شمال غرب مشهد واقع است. این روستا جز شهرستان چناران و بخش مرکزی و مرکز دهستان رادکان می‌باشد. در ۵۹ درجه طول جغرافیایی و ۳۶ درجه و ۴۸ دقیقه عرض جغرافیایی قرار دارد و ارتفاع آن از سطح دریا ۱۲۱۰ متر است. مساحت تقریبی دهستان رادکان ۱۶۸۵٫۵۷ کیلومتر مربع می‌باشد که در ۸۰ کیلومتری مشهد و ۲۴ کیلومتری شهرستان چناران در دامنه کوه‌های هزار مسجد واقع شده است. (رجائیان، ۱۳۹۰: ۱۰ - ۱۳) که در فصول مختلف جمعیت زیادی را جذب می‌کند. این دهستان یکی از گردشگاه‌های اطراف چناران و سایر شهرهای استان خراسان می‌باشد که با وجود برج تاریخی و نجومی رادکان و هوای سالم و جاذبه‌های طبیعی زیبا دارای قدرت جذب توریست در فصول مختلف سال می‌باشد. در تعطیلات و به خصوص در فصل تابستان، میزبان جمعیت قابل ملاحظه‌ای است که عمدتاً از شهرهای اطراف به این منطقه می‌آیند. این

با در نظر گرفتن اصول و اهداف توسعه پایدار و اهمیت توسعه گردشگری پایدار، شاخص‌های برنامه توسعه گردشگری می‌بایست به صورت زیر مورد توجه قرار گیرد:

۱. رشد آهسته و کنترل شده گردشگری؛
 ۲. تعیین و اجرای نوع روابط توسعه گردشگری؛
 ۳. مشارکت مردم محلی در فعالیت‌های گردشگری؛
 ۴. ایجاد ارتباط و همکاری با سایر بخش‌های اقتصادی و محلی؛
 ۵. بازاریابی دقیق و برنامه‌ریزی شده (قهرمانی، ۱۳۸۶: ۴۸).
- شکل (۱) مدل مفهومی گردشگری روستایی را نشان می‌دهد. در این مدل از گردشگری روستایی، عوامل فضای درون‌متنی (که در داخل سیستم هستند)، هم‌چون، خدمات، جاذبه‌ها و ساکنان محلی، همراه با مدیریت گردشگری روستایی در یک سیستم عمل کرده و عوامل فضای برون‌متنی (عوامل تأثیرگذار بر یک سیستم) نیز، در کارکرد این سیستم نقش اساسی دارند. در چارچوب کارکرد سیستم، وجود جاذبه‌ها برای شکل‌گیری جریان گردشگری، بالا بردن سطوح و کیفیت خدمات و تسهیلات را ضروری می‌کند. روشن است که مدیریت حاصل از این سرمایه‌گذاری، پیگیر راهبرد

دهستان دارای پتانسیل‌های بالقوه‌های از نظر اکولوژیکی (طبیعی و انسانی) و تاریخی و فرهنگی برای جذب توریست می‌باشد که می‌توان به‌عنوان نمونه به برج رادکان، یخدان گلی، النگ رادکان، رودخانه دائمی و بستر آن، مسجد جامع، دیوار و حصار قدیمی رادکان نادری اشاره کرد. در دهستان رادکان، بخش تسهیلات و خدمات گردشگری به نسبت جاذبه‌ها از رشد زیادی برخوردار نبوده است.

روش تحقیق

جهت دستیابی به اهداف تحقیق، ابتدا از طریق مشاهده و کتابخانه‌ای و روش توصیفی و تحلیلی به بررسی جاذبه‌ها، امکانات و خدمات توریستس و وضعیت گردشگری و آثار آن در توسعه جامعه مطالعه شده پرداخته شده و سپس در مراحل بعدی تحقیق، جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات و ارائه استراتژی و راهبرد توسعه گردشگری روستایی از روش تحلیلی SWOT استفاده شده است. که در ابتدا با توجه به بررسی‌های صورت گرفته روی محیط داخلی و خارجی ناحیه، فهرستی از نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها مورد شناسایی قرار گرفت و با تحلیل جدول اقدام به ارائه استراتژی‌های مناسبی شد.

تجزیه و تحلیل

به منظور ارائه راهکارها و سیاست‌های توسعه روستایی از طریق گسترش گردشگری، شناخت عوامل چهارگانه (SWOT) در جهت رفع ضعف‌ها، تهدیدها و بهبود قوت‌ها و فرصت‌ها امری اجتناب‌ناپذیر است (افتخاری ۱۳۸۵: ۸). بر این مبنا، راهکار توسعه این نواحی با فهرست نمودن نقاط قوت و فرصت‌ها به منظور ۱- طرح راهبردهای تهاجمی مبتنی بر بهره‌گیری از برتری‌های رقابتی نواحی روستایی ۲- تبیین مهم‌ترین فرصت‌های پیش‌رو به منظور رفع نقاط ضعف درون ناحیه‌ای از طریق راهبردهای بازنگری. به منظور تخصیص مجدد منابع در این قسمت ارائه می‌شود.

جدول ماتریس عوامل داخلی مؤثر بر گردشگری ناحیه مطالعه شده

| نقاط قوت | نقاط ضعف |
|---|---|
| <p>اقتصادی</p> <p>* مستعد بودن و آماده بودن منطقه جهت سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی توریسم در جهت استفاده از منابع طبیعی و انسانی و معرفی آن به عنوان قطب مهم گردشگری در اطراف مشهد</p> <p>* وجود محصولات کشاورزی و بازار مناسب برای فروش این محصولات کشاورزی به گردشگران</p> | <p>* عدم تمایل مردم منطقه جهت سرمایه‌گذاری در بخش گردشگری به دلایل مختلف از جمله افزایش سوداگری زمین و خرید و فروش اراضی، عدم آشنایی به صنعت توریسم و...</p> <p>* عدم وجود برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری‌های دولتی در این ناحیه</p> |
| <p>اجتماعی-فرهنگی</p> <p>* وجود وضعیت بالای آگاهی و سواد در بین مردم روستا و حس همکاری و مشارکت در بین روستاییان این منطقه</p> <p>* وجود آداب و رسوم، فرهنگ محلی و سنتی و نیز مکان‌های تاریخی و دیدنی که از گذشته به جای مانده‌اند.</p> | <p>* نامناسب بودن و عدم کفایت تسهیلات بهداشتی و خدماتی.</p> <p>* نامناسب بودن و ناکافی بودن تسهیلات و تجهیزات اقامتی و رفاهی</p> <p>* عدم وجود نیروهای متخصص و آموزش دیده در این نواحی</p> <p>* توزیع نامناسب گردشگران در فصول مختلف سال (تراکم کم در زمستان)</p> <p>* تعارض و تفاوت میان فرهنگ گردشگران و مردم روستا</p> |
| <p>اکولوژیکی</p> <p>* وجود چشم‌اندازهای زیبا و منحصربه‌فرد به همراه فضای سبز و باغات در نواحی</p> <p>* وجود ارتفاعات و قله مرتفع جهت انجام ورزش‌ها و تفریحاتی</p> <p>* دسترسی آسان و مناسب به این نواحی برای گردشگران</p> <p>* وجود رودخانه‌ها و چشمه‌ها</p> <p>* داشتن محیط آرام و بدون سرو صدا به خصوص برای شهرنشینان جهت استراحت و تمدد اعصاب و تفریح</p> | <p>* نامناسب بودن زیرساخت‌های کالبدی و محیطی (جاده و...)</p> <p>* نامناسب بودن تجهیزات و تاسیسات تفریحی و ورزشی</p> |
| <p>تهدیدی</p> <p>* اعتقاد مسوولان به اشتغال‌زایی به وسیله گسترش توریسم به عنوان یکی از مهم‌ترین سازوکارهای مناسب در جهت توسعه روستاها.</p> | <p>* عدم آشنایی روستاییان و عدم آموزش آن‌ها در نحوه برخورد با گردشگران</p> |

جدول ماتریس عوامل خارجی مؤثر بر گردشگری ناحیه مطالعه شده

| نقاط قوت | نقاط ضعف | اقتصادی | اجتماعی، فرهنگی | اکولوژیکی | تهدید |
|----------|----------|---|--|---|--|
| | | * افزایش توجه دولت به برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری در بخش گردشگری | * افزایش انگیزه بیشتر برای مسافرت و تفریح در بین مردم شهری و مردم حومه | * از بین رفتن درختان و پوشش گیاهی و آثار تاریخی آن همانند افزایش سیل تخریب زمین‌های کشاورزی و مزارع روستایی | * عدم ارائه مجوز و تسهیلات از سوی دولت جهت گسترش و توسعه خدمات، تجهیزات و تاسیسات گردشگری در این نواحی |
| | | | | | * افزایش توجه و حمایت مسوولان کشور از توسعه روستایی با رویکرد اشتغال‌زایی و کسب درآمد |

نتیجه‌گیری

در مدل سوات (SWOT) برای بررسی عوامل تأثیرگذار درونی و بیرونی، بر اساس راهبردهای چهارگانه زیر عمل می‌شود:

- راهبردهای تهاجمی یا رقابتی (SO) که بر نقاط قوت درونی و فرصت‌های بیرونی تأکید دارد؛
- راهبردهای تنوع (ST) که بر نقاط قوت درونی و تهدید بیرونی تأکید دارد؛
- راهبردهای تدافعی (WT) بر اساس نقاط ضعف درونی و تهدید بیرونی استوار است؛
- راهبردی بازنگری یا بازپروری (WO) که به نقاط ضعف درونی و فرصت‌های بیرونی تأکید دارد.

۱- راهبردهای تهاجمی: این راهبرد برای بهره‌برداری از فرصت‌های پیش‌رو مورد نظر قرار می‌گیرد. بنابراین در پاسخ به سؤال اول پژوهش، این مطالعه نشان داده است که روستای هدف دارای پتانسیل لازم برای جذب گردشگر هستند. با توجه به برخورداری از پتانسیل‌های لازم در ناحیه مورد مطالعه، شامل وجود جاذبه‌های گردشگری، می‌توان با توجه به رویکرد جامعه به امر گردشگری روستایی و افزایش انگیزه مردم به مسافرت و گردش، به ترغیب بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در روستا پرداخت. همچنین با توجه به خرده فرهنگ‌های محلی و سنتی، برپایی مراسم مذهبی، تمرکز فضاهای طبیعی و مراکز فرهنگی در روستای مورد بررسی، می‌توان با اطلاع‌رسانی و ارائه تسهیلات، به جذب بیشتر گردشگران مذهبی که به شهر مشهد سفر می‌کنند، اقدام کرد.

۲- استراتژی تنوع: هدف از این بخش شناسایی مهم‌ترین نقاط قوت درون ناحیه‌ای برای مقابله با تهدیدهای بیرونی

است که نواحی گردشگری با آن روبه‌رو هستند. بر این اساس، وجود محیط آرام و بدون آلودگی هوا و آلودگی‌های صوتی-بصری، انگیزه کافی برای سفر به فضاهای روستایی را فراهم می‌آورد. این سفرهای کوتاه در بسیاری از موارد با تخریب و آلودگی محیط‌زیست، از جمله آب، خاک، مزارع و باغ‌ها و نیز، آسیب فضاهای روستایی همراه است. ایجاد مکان‌های اقامتی مناسب، راهنمایی و اطلاع‌رسانی و ایجاد فضای پذیرایی مناسب، تا حد زیادی می‌تواند از پیامدهای منفی این جریان جلوگیری کند. باور مسئولان محلی و ناحیه‌ای به توانمندی‌های گردشگری روستایی بالقوه در منطقه، زمینه‌ای مناسب برای ایجاد اشتغال و توسعه روستایی و ایجاد رقابت با مکان‌های مشابه، مانند نیاسر و ابیانه به شمار می‌رود که در راهبرد تنوع مورد بحث است.

۳- راهبردهای تدافعی: به حداقل رساندن نقاط ضعف فراروی نواحی گردشگری ناشی از تهدیدهای بیرونی، هدف اساسی در این بخش است. از تهدیدهای عمده گردشگری در ناحیه مورد بررسی، نبود افراد آموزش‌دیده و نیروهای متخصص در زمینه گردشگری در روستاهای هدف، توزیع نامناسب گردشگران در فصول سال، تراکم بیش از حد و آسیب به مزارع و باغ‌ها در تابستان، آلودگی محیط‌زیست و در نهایت ناکافی بودن تسهیلات و خدمات همچون مکان‌های اقامتی، پذیرایی، رفاهی عدم دسترسی مناسب و آسان به برخی جاذبه‌ها است.

۴- راهبرد بازنگری: ناکافی بودن تسهیلات و خدماتی چون، مکان‌های اقامتی، پذیرایی، نبود تسهیلات لازم برای حمایت از توسعه بخش خصوصی، عدم شناخت قابلیت‌ها و پتانسیل‌های بالقوه در زمینه ورزش‌های کوهستانی منطقه، مهم‌ترین نقاط ضعف به‌شمار می‌روند.

پیشنهادها

تدوین برنامه‌ها، به‌منظور دستیابی به اهداف راهبردی و نهایتنظیم شده و سازوکارهای نظارت و ارزیابی، سیاست‌ها و برنامه‌های ارائه شده، بر مبنای همین اهداف و راهبردها ارائه می‌شود (کانی و همکاران، ۱۳۸۷). بنابراین فرضیه‌ها و مطالعه‌ای که انجام شد، گسترش گردشگری در ناحیه مورد مطالعه، می‌تواند با برنامه‌ریزی در دو سطح بلندمدت و کوتاه‌مدت عملی شود. برنامه‌های بلندمدت شامل:

- گسترش زیرساخت‌ها و خدمات
- جلوگیری از تخریب محیط‌زیست و تنظیم برنامه‌های توسعه گردشگری متناسب با شرایط زیست‌محیطی منطقه؛
- استفاده از خرده فرهنگ‌های بومی در توسعه گردشگری؛
- ایجاد بستری مناسب برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در فعالیت‌های گردشگری منطقه.
- برنامه‌های کوتاه‌مدت شامل:
- شناسایی جاذبه‌های گردشگری و تبلیغات برای شناساندن آن‌ها با روش‌های مختلف و بازاریابی برای

- جذب گردشگران و تبدیل روستاهای منطقه به قطب گردشگری روستایی در استان؛
- برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای روستاییان و آموزش‌های مرتبط تعامل با گردشگران؛
 - ایجاد زمینه مشارکت ساکنان روستاها برای توسعه روستا؛
 - احیا و تولید صنایع دستی بومی برای عرضه به گردشگران؛
 - جمع‌آوری صحیح و ماشینی زباله و دفع بهداشتی فضلاب روستاها برای جلوگیری از آلودگی محیط زیست.
- با توجه به مطالب گفته شده در مجموع می‌توان گفت که اگر گردشگری روستایی می‌خواهد به پایداری برسد و نقش مثبتی در زندگی مردم روستا ایفا کند، نیازمند تعیین و توسعه راهکارهای مشخص، مدیریت محیط زیست، توسعه مشارکت محلی، قوانین صریح و محکم، بازیابی پایدار و برنامه ریزی واقع بینانه است.

منابع

- اسماعیل زاده حسن، اسماعیل زاده یعقوب؛ انتخاب استراتژی بهینه توسعه گردشگری با استفاده از مدل راهبردی SWOT (مطالعه موردی: شهر مراغه)؛ فصل نامه آمایش محیط شماره ۲۸، ۱۴۹ - ۱۷۲، ۱۳۹۳
- پورجعفر، محمدرضا و محمودی نژاد، هادی وایلکا، شاهین و عاقبت بخیر، حامد؛ فراتحلیلی از ارزیابی رویکرد های توسعه گردشگری روستایی با تاکید بر تحلیل عوامل راهبردی (SWOT)، علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره چهاردهم، شماره ۲، تابستان ۹۱، ۶۱-۶۱
- تولایی، سیمین؛ ریاحی، وحید، افراخته، حسن؛ شعبانی، احمد تولایی؛ بررسی توانمندی ها و راهکارهای توسعه گردشگری روستایی در بخش کهک استان قم؛ جغرافیای انسانی دوره ۴۵، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۲، صص ۱۱۸-۱۰۳
- حاجی نژاد، علی؛ پایدار، ابودر؛ باقری، فاطمه؛ عبدی، ناصر؛ تدوین برنامه راهبردی توسعه گردشگری ایران؛ فصلنامه سیاست های راهبردی وکلان، سال دوم شماره هشتم ۱۳۹۴؛ صص ۱۳۵ - ۱۱۱
- رکن الدین افتخاری، عبدالرضا و مهدوی داوود؛ راهکارهای توسعه گردشگری روستایی با استفاده از مدل SWOT: دهستان لواسان کوچک؛ فصل نامه مدرس علوم انسانی؛ دوره شماره ۲ تابستان ۱۳۸۵.
- کریمی، فریبا؛ شریفی، رقیه؛ ارزبایی گردشگری روستایی با استفاده از مدل SWOT مطالعه موردی: روستاهای بخش مرکزی مراغه؛ جغرافیا و برنامه ریزی، سال ۱۷ شماره ۴۶، ۱۳۹۲، ۱۷۳-۱۹۲
- عزیزی، پروانه؛ نقش گردشگری پایدار روستایی در توسعه مناطق روستایی استان سمنان (مطالعه موردی، مناطق روستایی شهرستان شاهرود)؛ جغرافیای سرزمین، شماره ۲۳، پاییز ۱۳۸۸

Footnotes

- 1 . natural tourism
- 2 . cultural tourism
- 3 . eco tourism
- 4 . village tourism
- 5 .agro tourism

تحلیل فضایی نظام شبکه‌ای استان کردستان

آرام ابراهیمی، دانشجوی کارشناسی برنامه‌ریزی آمایش سرزمین، دانشگاه تربیت مدرس
علی پورعزیزی، دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی آمایش سرزمین، دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

پژوهش حاضر کاربرد روش‌ها و تکنیک‌های موجود و مورد نیاز در طرح برنامه‌ریزی آمایش استان کردستان می‌باشد که با استفاده از مدل‌های موجود به شناسایی و تحلیل وضعیت موجود ابعاد توسعه‌ای مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی، سیاسی و اداری و... پرداخت تا توانایی تجزیه و تحلیل موارد مذکور و مؤثر در توسعه پایدار استان و ارائه راه‌حل‌های متناسب با شرایط استان در جهت بهبود و ترقی گامی نهاده شود. تحلیل و رتبه‌بندی شهرستان‌های استان با توجه به توسعه روستایی بر اساس شاخص‌های فوق اقدام شده است که به خوبی نشان‌دهنده وضعیت هرکدام از شهرستان‌ها می‌باشد به طوری که شهرستان بیجار دارای بهترین شرایط با مقدار ۱۵٫۳ و شهرستان مریوان با ۵۵٫۸ دارای بدترین شرایط می‌باشد و توجه شود که در این مدل هرچه جواب نهایی مدل کمتر باشد نشان‌دهنده وضعیت بهتر و هرچه مقدار آن بیشتر باشد خبر از شرایط نامطلوب می‌دهد.

مقدمه

آرمان و غایت انسان و به‌طور عام جامعه بشری توسعه و پیشرفت در همه زمینه‌های زندگی است که برای رسیدن به این هدف دست به چاره‌اندیشی و برنامه‌ریزی‌های متناسب با زمان و نیاز خود کرده است. تمدن‌های اولیه برای نیل به هدف توسعه توانای جواب‌گویی به نیازهای خود از اقدامات اولیه‌ای مانند اهلی کردن حیوانات تا انقلاب کشاورزی که خود حاکی از داشتن برنامه هر چند ابتدای و شاید تا حدودی غریزی می‌باشد تا تمدن حاضر که با توجه به رویکردها و نظریات موجود به تهیه و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای به صورت مدرن و امروزی اقدام کرده است. تهیه و اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی متکی بر رویکرد و نگرش بخشی، منجر به بروز عدم تعادلات منطقه‌ای، حاشیه‌ای شدن برخی مناطق، از دست دادن منابع و توان‌های منطقه‌ای و نابرابری سرزمینی شده است (زنجانی، ۱۳۷۷). مشکلات ناشی از دیدگاه برنامه‌ریزی بخشی برنامه‌ریزان را بر آن داشته که از نگرش بخشی و تک‌بعدی نگری در برنامه توسعه فاصله گرفته و به نگرش فضایی و یکپارچه عوامل توسعه در هر یک از سطوح محلی، منطقه‌ای، ملی، بین‌المللی تا سطح جهانی روی آورند. بدیهی است که هنگامی که از فضا سخن می‌گوییم، تنها فضای کالبدی)

فیزیکی) که مرئی و ملموس است و مترادف «مکان» است، مقصود نیست، بلکه فضایی است که به سبب دخالت‌های انسان پیوسته در تحول و تغییر است، و تنها در رابطه با انسان و جامعه معنا دارد. بنابراین فضا محصول مشترک طبیعت و انسان که در حال تغییر و تحول دائم است. این چنین فضایی موضوع برنامه‌ریزی آمایش سرزمین است و مجموعه‌ای از انسان، فعالیت‌ها و محیط‌های طبیعی و انسان ساخت است (مهندسین مشاور شرق آیند، ۱۳۸۹، ۷). برخلاف رویکرد بخشی، آمایش سرزمین با رویکرد همه‌سویگر در چهارچوب توسعه فضایی، سعی دارد با پدیده عدم تعادل‌های منطقه‌ای برخورد کرده و راهکارهای مناسب را برای تحقق توسعه متوازن، همه‌جانبه و پایدار در سطح سرزمین ارائه کند (سا، ۱۳۸۵). آمایش سرزمین ارزیابی نظام‌مند عوامل طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... به منظور یافتن راهی برای تشویق و کمک به جامعه کاربران، بهره‌برداران و مالکان در انتخاب گزینه‌های مناسب برای افزایش و پایداری توان سرزمینی در جهت برآورد نیازهای جامعه است (طوسی، ۱۳۸۹). هر اقدامی و از آن جهت، برنامه‌ریزی آمایش سرزمین برای نیل به اهداف و عملی کردن مقاصد خود نیاز به یک سری روش‌ها و تکنیک‌های خاص خود می‌باشد تا توانایی تحلیل و جواب‌گویی به سه سوال اساسی و ذاتی آمایش سرزمین که در زیر آمده است را داشته باشد:

- در حال حاضر استان چه موقعیتی دارد (ارائه تحلیل از نقاط قوت، نقاط قوت، فرصت‌ها و تهدیدها)
- استان به کجا می‌خواهد برود (چشم‌انداز، اهداف کلی، اولویت‌های مبتنی بر جهت‌گیری‌های آمایشی)
- استان چگونه به اهداف تعیین شده دست می‌یابد.

بنابراین می‌توان اذعان داشت که هدف از تهیه آمایش سرزمین احصاء و به‌کارگیری روش‌های اجرای در چهارچوب توسعه ملی مبتنی بر اصول مصوب آمایش سرزمین برای دستیابی به سازمان فضایی منسجم، اثربخش و نیل به توسعه پایدار است (طرح تهیه و تدوین برنامه آمایش استان تهران، ۱۳۸۸). موضوع پژوهش حاضر کاربرد روش‌ها و تکنیک‌های موجود و مورد نیاز در طرح برنامه‌ریزی آمایش استان کردستان می‌باشد که با استفاده از مدل‌های موجود به شناسایی و تحلیل وضعیت موجود ابعاد توسعه‌ای مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی، سیاسی و اداری و... پرداخت تا توانایی تجزیه و تحلیل موارد مذکور و مؤثر در توسعه پایدار استان و ارائه راه‌حل‌های متناسب با شرایط استان در جهت بهبود و ترقی گامی نهاده شود.

تقسیمات سیاسی استان

براساس اطلاعات ۱۳۹۰ تقسیمات سیاسی، شامل شهرستان، بخش، شهر، دهستان و مساحت مربوط به کل استان و جمعیت شهرستان استان به تفکیک در جدول شماره ذکر شده است.

جدول ۱: مشخصات عمومی شهرستان‌ها بر اساس تقسیمات کشوری در پایان اسفند سال ۱۳۹۰

| شهرستان | مساحت (کیلومتر مربع) | تعداد بخش | تعداد دهستان | تعداد |
|----------|----------------------|-----------|--------------|-------|
| کل استان | ۲۹۱۳۷ | ۲۹ | ۲۷ | ۸۵ |
| بانه | ۱۵۴۲ | ۴ | ۴ | ۸ |
| بیجار | ۵۹۰۵ | ۳ | ۳ | ۱۱ |
| دیواندره | ۳۷۳۶ | ۳ | ۲ | ۸ |
| دهگلان | ۱۸۴۱ | ۲ | ۲ | ۵ |
| سقز | ۴۵۱۴ | ۳ | ۲ | ۱۱ |
| سنندج | ۳۲۸۴ | ۴ | ۲ | ۱۲ |
| قروه | ۲۸۷۵ | ۳ | ۴ | ۹ |
| کامیاران | ۲۰۶۱ | ۲ | ۲ | ۷ |
| مریوان | ۲۳۲۶ | ۳ | ۴ | ۶ |
| سروآباد | ۱۰۵۳ | ۲ | ۲ | ۸ |

مأخذ: استانداری استان کردستان

جدول ۲: جمعیت خانوارهای معمولی در نقاط شهری و روستایی برحسب شهرستان، آبان ۱۳۹۰

| شهرستان | کل | جمعیت شهری | جمعیت روستایی |
|----------|---------|------------|---------------|
| بانه | ۱۳۰۹۷۰ | ۸۹۶۸۰ | ۴۱۲۹۰ |
| بیجار | ۹۱۳۰۱ | ۵۰۳۸۲ | ۴۰۹۱۹ |
| دیواندره | ۸۰۲۷۰ | ۲۷۷۱۸ | ۵۲۵۵۲ |
| سقز | ۲۰۷۷۶۱ | ۱۴۰۱۶۷ | ۶۷۵۹۴ |
| سنندج | ۴۳۵۹۰۴ | ۳۶۲۱۵۹ | ۷۳۳۷۴۵ |
| قروه | ۱۳۵۳۰۷ | ۸۶۷۴۹ | ۴۸۵۵۸ |
| کامیاران | ۱۰۳۷۰۶ | ۵۴۷۷۷ | ۴۸۹۲۹ |
| مریوان | ۱۶۶۴۵۲ | ۱۲۰۵۸۱ | ۴۵۸۱۷۱ |
| سروآباد | ۴۸۷۴۸ | ۴۳۹۳ | ۴۴۳۵۵ |
| دهگلان | ۶۲۲۹۶ | ۲۵۹۳۲ | ۳۶۳۶۴ |
| جمع | ۱۴۶۲۷۱۵ | ۹۶۲۵۳۸ | ۵۰۰۱۲۷ |

منبع: سالنامه آماری استان کردستان-۱۳۹۲

شاخص دو شهر

باتوجه به این شاخص شهر اول شهر سنندج است که بین شهرهای استان بیشترین جمعیت را دارد و شهرهای سقز، مریوان، بانه و قروه در رده های بعدی هستند.

$TCI = 2,58$

مقدار شاخص دو شهر

با توجه به اینکه مقدار شاخص بدست آمده بیشتر از حد متوسط است، سنندج به عنوان نخست شهری در بین شهرهای دیگر استان خودش را نشان می دهد.

مقدار شاخص چهار شهر مهتا

$MFCI = 0.50$

برپایه چنین معیاری، درجه تسلط و برتری شهر اول بر نظام شهری براساس جدول زیر پیشنهاد شده است که در آن دامنه تسلط و برتری مطلوب شهر نخست بین شاخص ۰.۴۱ تا ۰.۵۴ فرض شده است و برای فوق برتری شاخص بین ۰.۶۵ تا ۱ پیشنهاد شده است که با توجه به این جدول شهر سنندج در رنج برتری مطلوب به نسبت دیگر شهرها قرار دارد.

جدول ۳: درجه نخست شهری در نظام شهری بر پایه شاخص

چهار شهر

| درجه نخست شهری در نظام شهری بر پایه شاخص چهار شهر | |
|---|---------------|
| نوع برتری | شاخص چهار شهر |
| فوق برتری | ۱ تا ۰.۶۵ |
| برتری | ۰.۶۵ تا ۰.۵۴ |
| برتری مطلوب | ۰.۵۴ تا ۰.۴۱ |
| حداقل برتری | کمتر از ۰.۴۱ |

مأخذ: نگارنده

تجزیه و تحلیل نظام سکونتگاهی

از زمینه های مطالعه بسیار مهم آمایش سرزمین، شناخت عدم تعادل های ناشی از توسعه است که به دلیل ناموزون بودن توسعه کشور در تمام سطوح بروز می کند و عبارتند از:

- عدم تعادل های بخشی (مانند عدم تعادل بین بخش های کشاورزی - صنعت)؛

- عدم تعادل های اجتماعی (مانند عدم تعادل بین شهر و روستا)؛

- عدم تعادل های اقتصادی (مانند شکاف بین بخش نوین و سنتی اقتصاد و عدم تعادل بین تولید و مصرف)؛

- عدم تعادل های منطقه ای (مانند عدم تعادل بین فضاهای حاشیه ای و قطب های توسعه).

طرح آمایش سرزمین، طرحی است که در چارچوب اهداف و سیاست های کلی توسعه، سازماندهی فضای توسعه را پایه گذاری می کند. برای شناسایی ساختار فضایی و شکاف های موجود در منطقه مدل های متنوعی موجود است که به برنامه ریزان این امکان را می دهد که به کمک آن وضع موجود را شناسایی و اطلاعات لازم را در اختیار سیاستگذاران و مدیران گذاشته تا بر مبنای آن، دید درستی از شرایط داشته باشند که کدام یک از بخش های منطقه مورد نظر از نظر شاخص یا موضوعی خاص در چه وضعیتی قرار دارد تا مبنای درستی باشد که براساس آن به توان به تخصیص بودجه، تعیین فعالیت اختصاصی برای بخش ها و پرداخت. در ادامه به توضیح و اجرای یک سری از این مدل ها برای استان کردستان

پرداخته می‌شود تا شرایط استان و شهرستان‌های آن را از لحاظ توسعه روستایی بر مبنای نماگرهای تعداد مشغولان به تحصیل، باسواد، ضریب اشتغال و بارتکفل سطح بندی کرد.

۳- مدل مجموع ساده وزنی (SAW):

روش مجموع ساده وزنی یکی از قدیمی‌ترین روش‌های به کار گرفته شده در روش‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه است. به طوری که با مفروض بودن بردار W (اوزان اهمیت از شاخص‌ها) برای آن، مناسب‌ترین گزینه (A) به صورت تابع زیر محاسبه می‌شود.

مرحله اول: جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز برای سطح بندی

جدول ۴: داده‌های وضع موجود

| نماگر شهرستان | در حال تحصیل | باسواد | شاغل | بارتکفل وابستگی |
|---------------|--------------|--------|-------|-----------------|
| جهت | + | + | + | - |
| بانه | ۸۳/۱۵ | ۹۳/۲۸ | ۲۳/۳۷ | ۶۹/۱ |
| بیجار | ۹۷/۱۵ | ۱/۳۳ | ۱۵/۳۹ | ۵۵/۱ |
| سقز | ۹۱/۱۶ | ۱۸/۲۹ | ۵۸/۴۰ | ۴۶/۱ |
| سنندج | ۴/۱۸ | ۷۷/۲۸ | ۷۵/۳۸ | ۵۸/۱ |
| قروه | ۷۲/۱۷ | ۴۳/۲۹ | ۷۲/۳۸ | ۵۸/۱ |
| مریوان | ۹۸/۱۷ | ۱۶/۳۰ | ۰۲/۳۱ | ۲۲/۲ |
| دیواندره | ۱۱/۱۸ | ۵۸/۳۳ | ۶۴/۳۷ | ۶۶/۱ |
| کامیاران | ۱۹/۱۸ | ۶۴/۳۰ | ۸/۳۶ | ۷۲/۱ |
| سروآباد | ۶۸/۱۹ | ۳۳ | ۸۴/۳۴ | ۸۷/۱ |
| دهگلان | ۲۷/۱۸ | ۴۳/۲۹ | ۶۲/۳۸ | ۵۹/۱ |

برای تعیین اهمیت هر یک از نماگرهای مورد استفاده به تعیین وزن هر یک از این نماگرها از روش‌های متناسب استفاده می‌کنیم که در اینجا از روش آنتروپی استفاده شده است.

تفسیر نتایج:

سطح بندی نهایی وضعیت روستاهای شهرستان‌های استان کردستان به همین روش اقدام شده است که شهرستان بیجار در بهترین شرایط و شهرستان مریوان در بدترین شرایط از لحاظ شاخص‌های مورد استفاده را دارا می‌باشد که در جدول شماره ۱۸ زیر ذکر شده است:

جدول ۵: وزن هر یک از نماگرها و ماتریس داده‌های موزون و

همچنین محاسبه نهایی

| اولویت بندی | وضعیت استان | بارتکفل وابستگی | شاغل | باسواد | در حال تحصیل | نماگر شهرستان |
|-------------|-------------|-----------------|------|--------|--------------|---------------|
| | | ۰/۱۷ | ۱/۳۵ | ۰/۳۱ | ۰/۱۷ | وزن |
| ۹ | ۸۷۳/۰ | ۸۷/۰ | ۹۲/۰ | ۸۶/۰ | ۸۰/۰ | بانه |
| ۱ | ۹۴۱/۰ | ۹۴/۰ | ۹۶/۰ | ۹۹/۰ | ۸۱/۰ | بیجار |
| ۳ | ۹۳۵/۰ | ۰۰/۱ | ۰۰/۱ | ۸۷/۰ | ۸۶/۰ | سقز |
| ۵ | ۹۱۶/۰ | ۹۳/۰ | ۹۵/۰ | ۸۶/۰ | ۹۳/۰ | سنندج |
| ۶ | ۹۱۶/۰ | ۹۳/۰ | ۹۵/۰ | ۸۸/۰ | ۹۰/۰ | قروه |
| ۱۰ | ۸۱۳/۰ | ۶۶/۰ | ۷۶/۰ | ۹۰/۰ | ۹۱/۰ | مریوان |
| ۲ | ۹۴۱/۰ | ۸۸/۰ | ۹۳/۰ | ۰۰/۱ | ۹۲/۰ | دیواندره |
| ۸ | ۹۰۲/۰ | ۸۵/۰ | ۹۱/۰ | ۹۱/۰ | ۹۲/۰ | کامیاران |
| ۷ | ۹۰۸/۰ | ۷۸/۰ | ۸۶/۰ | ۹۸/۰ | ۰۰/۱ | سروآباد |
| ۴ | ۹۱۹/۰ | ۹۲/۰ | ۹۵/۰ | ۸۸/۰ | ۹۳/۰ | دهگلان |

• مرحله دوم: نرمال سازی

برای نرمال کردن داده‌های موجود است تا بتوان داده‌های را که در مقیاس‌های مختلفی می‌باشند را به صورت مناسب و درستی در مقایسه با هم تحلیل کرد که برای این کار به دو روش زیر عمل می‌شود:

• **جهت مثبت:** زمانی که نماگر مورد نظر از نوع سود باشد یعنی نماگر هر چه بیشتر باشد وضعیت مطلوب‌تر است، از رابطه زیر بدست می‌آید:

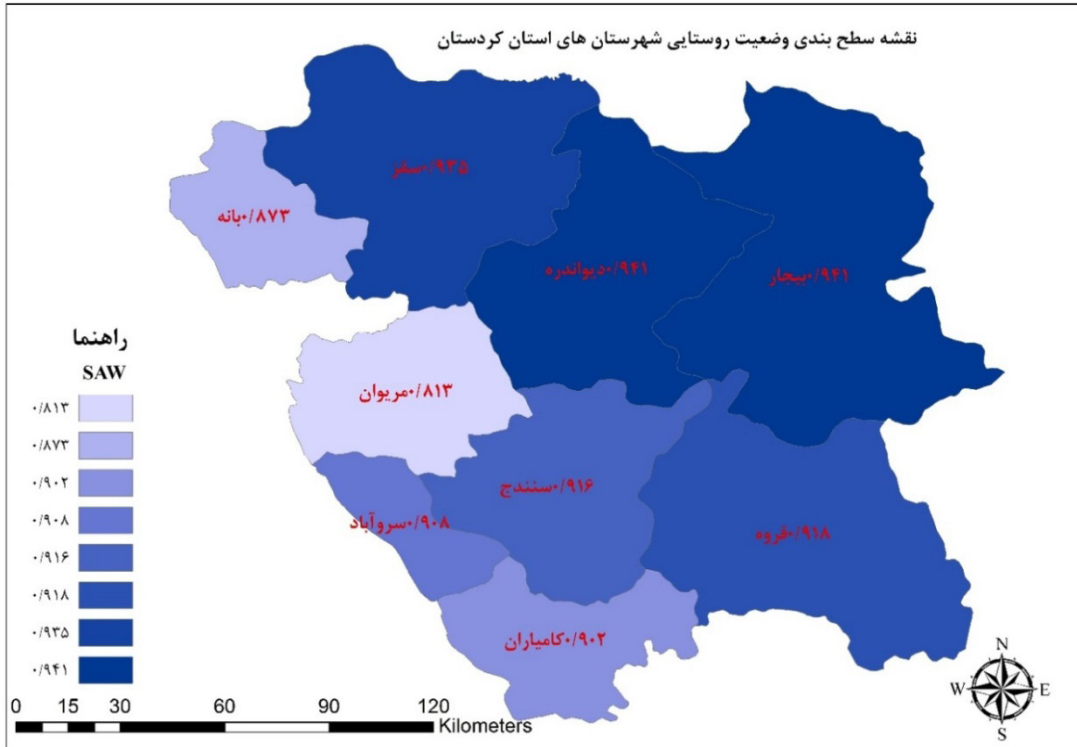
$$R_{ij}$$

• **جهت منفی:** همچنین زمانی که داده‌های ما از نوع هزینه باشد یعنی هر چه کمتر باشد وضعیت مطلوب‌تر می‌باشد، از رابطه زیر استفاده می‌شود:

مرحله سوم: تعیین وزن نماگرها

لازم به ذکر است برای رتبه بندی شهرستان‌ها از طریق طریق نرم افزار (MCDM engine) استفاده شد که دقیقاً همان نتایج بالا رو به ما داد که در شکل شماره ۱۹ نمایش داده شده است.

که در بالا A۲ شهرستان بیجار و A۶ که رتبه آخر را دارد شهرستان مریوان می‌باشد.



شکل ۱: نقشه سطح بندی شهرستان های استان از لحاظ توسعه روستایی به روش SAW

مأخذ: نگارنده

جدول ۶: داده های وضع موجود

| نامگر شهرستان | در حال تحصیل | باسواد | شاغل | بارتکفل وابستگی |
|---------------|--------------|--------|-------|-----------------|
| جهت | + | + | + | - |
| وزن | ۰/۱۷ | ۰/۳۱ | ۱/۳۵ | ۰/۱۷ |
| بانه | ۸۳/۱۵ | ۹۳/۲۸ | ۲۳/۳۷ | ۶۹/۱ |
| بیجار | ۹۷/۱۵ | ۱/۳۳ | ۱۵/۳۹ | ۵۵/۱ |
| سقز | ۹۱/۱۶ | ۱۸/۲۹ | ۵۸/۴۰ | ۴۶/۱ |
| سنندج | ۴/۱۸ | ۷۷/۲۸ | ۷۵/۳۸ | ۵۸/۱ |
| قروه | ۷۲/۱۷ | ۴۳/۲۹ | ۷۲/۳۸ | ۵۸/۱ |
| مریوان | ۹۸/۱۷ | ۱۶/۳۰ | ۰۲/۳۱ | ۲/۲ |
| دیواندره | ۱۱/۱۸ | ۵۸/۳۳ | ۶۴/۳۷ | ۶۶/۱ |
| کامیاران | ۱۹/۱۸ | ۶۴/۳۰ | ۸/۳۶ | ۷۲/۱ |
| سرآباد | ۶۸/۱۹ | ۳۳ | ۸۴/۳۴ | ۸۷/۱ |
| دهگلان | ۲۷/۱۸ | ۴۳/۲۹ | ۶۲/۳۸ | ۵۹/۱ |

۴- رتبه بندی تجمعی ساده (SAR)

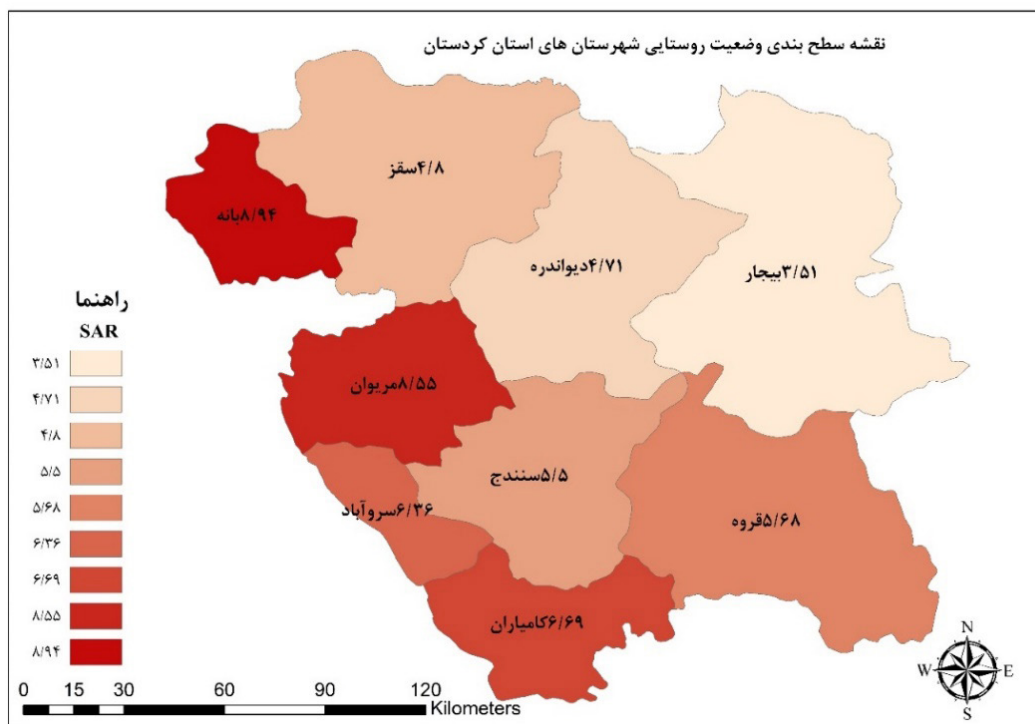
روش رتبه بندی تجمعی ساده، مبتنی بر رتبه بندی گزینه ها با توجه به شاخص های تاثیرگذار بر هر یک از آن ها است. در این روش به استاندارد کردن داده ها نیاز نیست، زیرا مبنی کار براساس رتبه های تخصیص داده به هر یک از گزینه ها است. ارزش حاصل از مجموع شاخصها به هر گزینه که از بیشترین میزان برخوردار باشد اولویت هر گزینه را مشخص می کند. محاسبه مجموع ارزش عددی هر گزینه با توجه به وزن هر یک از شاخصها از طریق تابع زیر محاسبه و برآورد می شود (پورطاهری، ۱۳۸۹، ص. ۱۴۸).

$$V = \frac{1}{T} \sum_{k=1}^n W_k \cdot R_k$$

که در رابطه بالا w وزن هر معیار، T تعداد کل آلترناتیوها و R نیز رتبه ترتیبی آلترناتیو با توجه به معیار k است.

جدول ۷: ماتریس رتبه‌بندی ترتیبی، رتبه‌های وزن داده شده به نماگرها و رتبه‌بندی نهایی به شهرستان با روش SAR

| شهرستان نماگر | بانه | بیجار | سقز | سنندج | قروه | مریوان | دیواندره | کامیاران | سرآباد | دهگلان |
|-----------------------|--------|--------|--------|-------|--------|--------|----------|----------|--------|--------|
| رتبه‌بندی ترتیبی | ۱۰ | ۹ | ۸ | ۲ | ۷ | ۶ | ۵ | ۴ | ۱ | ۳ |
| درحال تحصیل | ۹ | ۲ | ۸ | ۱۰ | ۶ | ۵ | ۱ | ۴ | ۳ | ۷ |
| بأسواد | ۷ | ۲ | ۱ | ۳ | ۴ | ۱۰ | ۶ | ۸ | ۹ | ۵ |
| شاغل | ۷ | ۲ | ۱ | ۳ | ۴ | ۱۰ | ۶ | ۸ | ۹ | ۵ |
| بارتکفل و ابستگی | ۷ | ۲ | ۱ | ۳ | ۴ | ۱۰ | ۶ | ۸ | ۹ | ۵ |
| رتبه‌های وزن داده شده | | | | | | | | | | |
| درحال تحصیل | ۷/۱ | ۵۳/۱ | ۳۶/۱ | ۳۴/۰ | ۱۹/۱ | ۰۲/۱ | ۸۵/۰ | ۶۸/۰ | ۱۷/۰ | ۵۱/۰ |
| بأسواد | ۷۹/۲ | ۶۲/۰ | ۴۸/۲ | ۱/۳ | ۸۶/۱ | ۵۵/۱ | ۳۱/۰ | ۲۴/۱ | ۹۳/۰ | ۱۷/۲ |
| شاغل | ۴۵/۲ | ۷/۰ | ۳۵/۰ | ۰۵/۱ | ۴/۱ | ۵/۳ | ۱/۲ | ۸/۲ | ۱۵/۳ | ۷۵/۱ |
| بارتکفل و ابستگی | ۱۹/۱ | ۳۴/۰ | ۱۷/۰ | ۵۱/۰ | ۶۸/۰ | ۷/۱ | ۰۲/۱ | ۳۶/۱ | ۵۳/۱ | ۸۵/۰ |
| جمع | ۱۳/۸ | ۱۹/۳ | ۳۶/۴ | ۵ | ۱۳/۵ | ۷۷/۷ | ۲۸/۴ | ۰۸/۶ | ۷۸/۵ | ۲۸/۵ |
| V ۱۰=T | ۸۹۴۳/۰ | ۳۵۰۹/۰ | ۴۷۹۶/۰ | ۵۵/۰ | ۵۶۴۳/۰ | ۸۵۴۷/۰ | ۴۷۰۸/۰ | ۶۶۸۸/۰ | ۶۳۵۸/۰ | ۵۸۰۸/۰ |
| سطح بندی شهرستان‌ها | | | | | | | | | | |
| | ۱۰ | ۱ | ۳ | ۴ | ۵ | ۹ | ۲ | ۸ | ۷ | ۶ |
| | بانه | بیجار | سقز | سنندج | قروه | مریوان | دیواندره | کامیاران | سرآباد | دهگلان |



شکل ۲: سطح بندی شهرستان‌های استان از لحاظ توسعه روستایی به روش SAR

مآخذ: نگارنده

نتیجه‌گیری

تحلیل و رتبه‌بندی شهرستان‌های استان با توجه به توسعه روستایی بر اساس شاخص‌های فوق اقدام شده است که به خوبی نشان‌دهنده وضعیت هرکدام از شهرستان‌ها می‌باشد به طوری که شهرستان بیجار دارای بهترین شرایط با مقدار ۱۵٫۳ و شهرستان مریوان با ۵۵٫۸ دارای بدترین شرایط می‌باشد و توجه شود که در این مدل هرچه جواب نهایی مدل کمتر باشد نشان‌دهنده وضعیت بهتر و هرچه مقدار آن بیشتر باشد خبر از شرایط نامطلوب می‌دهد. این مورد به این دلیل می‌باشد که برای رتبه‌بندی نماگرها هرچه بیشتر (جهت مثبت، روشن است در جهت منفی رتبه‌بندی معکوس می‌باشد) باشد عدد ۱ و به ترتیب این عدد افزایش می‌یابد. این رتبه‌بندی در جواب نهایی نیز موثر و در نتیجه هرچه کمتر باشد مطلوب‌تر است.

منابع

۱. پورطاهری، د. م. (۱۳۸۹). کاربرد روش‌های تصمیم‌گیری چندشاخصه در جغرافیا. تهران: سمت.
۲. زنجانی، د. ح. (۱۳۷۷). طرح تهیه و تدوین برنامه آمایشی استان تهران، مطالعات جمعیتی. تهران: استانداری تهران، معاونت برنامه‌ریزی.
۳. زیاری، ک. ا. (۱۳۷۸). اصول برنامه‌ریزی منطقه‌ای. یزد: دانشگاه یزد.
۴. سالنامه آماری استان کردستان، ۱ (مرکز آمار ایران ۳۲۵، ۱۳۹۰).
۵. شرح خدمات برنامه آمایش استان‌ها، ۱ (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، معاونت امور اقتصادی و فرهنگی و هماهنگی برنامه و بودجه ۲۰۶، ۱۳۸۵).
۶. طرح پایه آمایش سرزمین استان اصفهان، شناخت وضع موجود و روند گذشته، ۱ و ۲ (استانداری اصفهان، معاونت برنامه‌ریزی، دفتر برنامه‌ریزی و بودجه ۵۷، ۱۳۸۹).
۷. طرح تهیه و تدوین برنامه آمایش استان تهران، ۱ (دکتر حبیب‌الله زنجانی ۲۱۸، ۱۳۸۸).
۸. فریدی، ی. (۱۳۶۸). جغرافیا و شهرشناسی. تهران.
۹. موسوی، ح. ح. (۱۳۹۰). کاربرد مدل در جغرافیا با تاکید بر برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای. تهران: علم نوین.
۱۰. مهدوی، م. م. (۱۳۹۱). استفاده از QSPM در تجزیه و تحلیل SWOT به عنوان ابزاری برای برنامه‌ریزی استراتژیک (مطالعه موردی: گروه خودروسازی سایپا). فصلنامه مدیریت، ۱.
۱۱. مهندسین مشاور شرق آیند. (۱۳۸۹). مطالعات برنامه آمایش استان هرمزگان. تهران: استانداری هرمزگان، معاونت برنامه‌ریزی.
۱۲. مهندسین مشاور شرق آیند. (۱۳۸۹). مطالعات برنامه آمایش استان هرمزگان، تحلیل جمعیتی. تهران: استانداری هرمزگان، معاونت برنامه‌ریزی.
۱۳. مؤمنی، د. م. (۱۳۸۱). اشاره‌ای به خصلت میان‌دانشی آمایش سرزمین و جایگاه آن در جغرافیا (قسمت اول). رشد آموزش جغرافیا.

معرفی انجمن علمی دانشجویی برنامه‌ریزی آمایش سرزمین

برگزاری سلسله نشست های تخصصی برنامه‌ریزی آمایش سرزمین

نشست اول: مروری بر تعابیر و تفاسیر تعادل فضایی در آمایش سرزمین
با حضور دکتر عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری از دانشگاه تربیت مدرس، دکتر مظفر صرافی از دانشگاه شهید بهشتی و دکتر محمد حسن فولادی از سازمان برنامه‌ریزی و بودجه کشور برگزار شد. در این نشست به مفایم برنامه‌ریزی فضایی و همچنین تفاوت‌های آن با دیگر برنامه‌ریزی‌ها پرداخته شد و تجارب مهم دیگر کشورها هم بررسی شد. و در پایان به اهمیت این مفهوم در نظام برنامه‌ریزی کشور پرداخته شد.

انجمن برنامه‌ریزی آمایش سرزمین با توجه به اهداف و ضرورت وجود فضای متناسب جهت مطرح شدن مباحث جدید در رشته آمایش سرزمین و همچنین ایجاد یک گفتمان موضوع محور بین دانشجویان و اساتید دیگر دانشگاه‌ها در سال ۱۳۹۳ به همت دانشجویان این رشته در دانشگاه تربیت مدرس تشکیل شد. هدف این انجمن در گام نخست معرفی این رشته و تعریف جایگاه مهم این علم در نظام برنامه‌ریزی کشور و در ادامه استفاده از نظرات اساتید و دانشجویان دیگر دانشگاه‌ها و تعامل سازنده با سازمان‌ها و ارگان‌ها مرتبط با این علم بود که به کمک حق تعالی و همت دانشجویان این رشته فعالیت‌های خوبی صورت گرفت.

انجمن برنامه‌ریزی آمایش سرزمین فعالیت‌های مختلفی را شکل داد که برگزاری سلسله نشست‌های تخصصی برنامه‌ریزی آمایش سرزمین در راس آن بود، که خروجی آن تولید کتابی در این زمینه بود که در دست چاپ است. همچنین از دیگر فعالیت‌های انجمن برگزاری اردوهای منظم به مناطق مهم و استراتژیک کشور بود.

از دیگر فعالیت انجمن می‌توان به برگزاری کارگاه‌های آموزشی مهم و مرتبط با این علم بود که با استقبال دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس و دانشجویان دیگر دانشگاه‌ها از رشته‌های مختلف که عبارت بودند از: برنامه‌ریزی آمایش سرزمین، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، برنامه‌ریزی شهری، برنامه‌ریزی روستایی و دیگر رشته‌های مرتبط بود.

همچنین لازم به ذکر است که این انجمن در جشنواره حرکت درون دانشگاهی و ملی شرکت داشته است و تمام فعالیت و توانمندی دانشجویان این رشته را در معرض عموم گذاشته است. دیگر نکته مهم مورد توجه مشارکت انجمن برنامه‌ریزی آمایش سرزمین با دیگر انجمن‌های دانشگاه‌های کشور و مشارکت با سازمان برنامه‌ریزی و بودجه کشور و جهاد دانشگاهی تربیت مدرس می‌باشد.

در ادامه به برخی از فعالیت‌های مهم انجمن برنامه‌ریزی آمایش سرزمین اشاره می‌شود.

انجمن علمی برنامه‌ریزی آمایش سرزمین
دانشگاه تربیت مدرس بر گزار می‌کند:

**سلسله نشست های
برنامه‌ریزی آمایش سرزمین**

نشست اول
مروری بر تعابیر و تفاسیر تعادل فضایی در آمایش سرزمین

سخنرانان

دکتر عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری (استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه تربیت مدرس)
دکتر مظفر صرافی (دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی)
دکتر محمد حسن فولادی (رئیس سابق دفتر امور آمایش و توسعه منطقه‌ای و مشاور فنی سازمان)

مکان دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی - سالن دکتر میرحسینی
زمان یکشنبه ۲۹ فروردین ۱۳۹۵ - ساعت ۱۴ الی ۱۶

به شرکت کنندگان در تمامی نشست‌ها گواهی معتبر از طرف دانشگاه اعطا می‌شود.

۳۷

شماره اول

بهار ۱۳۹۶

فصلنامه

معرفی انجمن علمی دانشجویی
برنامه‌ریزی آمایش سرزمین



انجمن علمی برنامه ریزی آمایش سرزمین
دانشگاه تربیت مدرس برگزار می کند:



**سلسله نشست های
برنامه ریزی آمایش سرزمین**

**نشست سوم تبیین اندیشه اقتصاد زیست محیطی در آمایش سرزمین
سخنرانان**

دکتر مجید مخدوم (استاد دانشکده محیط زیست دانشگاه تهران)
دکتر حسین صادقی (عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس تهران)
دکتر حسن احمدی (عضو هیئت علمی گروه برنامه ریزی آمایش سرزمین تربیت مدرس تهران)
مکان: دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، سالن علامه جعفری
زمان: دوشنبه ۹۵/۸/۲۴ - ساعت ۱۴:۳۰ الی ۱۷



نشست چهارم: واکاوی مفهوم و جایگاه برنامه ریزی آمایش

سرزمین در علم

انجمن علمی - دانشجویی برنامه ریزی آمایش سرزمین، جلسه سخنرانی با حضور دکتر افتخاری عضو هیئت علمی گروه جغرافیا دانشگاه تربیت مدرس، دکتر زیاری عضو هیئت علمی گروه جغرافیا دانشگاه تهران و دکتر فرج زاده اصل عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس و نماینده تحصیلات تکمیلی گروه جغرافیا در وزارت علوم و جمعی از دانشجویان حدود ۹۰ نفر در تاریخ ۹۵/۹/۲۸ برگزار شد. و در این نشست هر سه اساتید نظراتی را پیرامون جایگاه آمایش سرزمین و اهمیت آن در علم و کشور مطرح کردند. در آخر این نوید را دادن که دکترای این رشته تا کنکور ۱۳۹۷ قطعی شود.



**سلسله نشست های تخصصی
برنامه ریزی آمایش سرزمین
واکاوی مفهوم و جایگاه**



برنامه ریزی آمایش سرزمین در علم

سخنرانان:

دکتر عبدالرضا رکن الدین افتخاری، استاد گروه جغرافیا و برنامه ریزی

دانشگاه تربیت مدرس

دکتر کرامت الله زیاری، استاد گروه جغرافیا و برنامه ریزی دانشگاه تهران

دکتر منوچهر فرج زاده اصل، استاد گروه جغرافیای طبیعی دانشگاه تربیت

مدرس (نماینده گروه جغرافیا در وزارت علوم)



تاریخ برگزاری نشست: ۱۳۹۵/۹/۲۸ ساعت ۱۷:۳۰ الی ۲۰:۳۰

مکان: دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، طبقه چهارم، سالن میر

حسینی

همراه با اعطاء گواهی حضور برای تمامی شرکت کنندگان

نشست دوم: آسیب شناسی روند اجرایی طرح های آمایش

در ایران

انجمن علمی- دانشجویی برنامه ریزی آمایش سرزمین، جلسه سخنرانی با حضور دکتر آرامی مشاور معاونت هماهنگی برنامه ریزی برنامه و بودجه سازمان مدیریت و برنامه ریزی، دکتر توکلی عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس و جمعی از دانشجویان در تاریخ ۹۵/۲/۲۶ برگزار شد. در این نشست آسیب و دلایل عدم موفقیت طرح های آمایشی در کشور نقد شد و همچنین راهکار های در این زمینه ارائه شد.



**انجمن علمی برنامه ریزی آمایش سرزمین
دانشگاه تربیت مدرس برگزار می کند
سلسله نشست های برنامه ریزی آمایش سرزمین**



نشست دوم

آسیب شناسی روند اجرایی طرح های آمایش در ایران

سخنرانان

دکتر محمدحسن آرامی (مشاور فاعلی معاونت هماهنگی برنامه و بودجه سازمان مدیریت و برنامه ریزی)
دکتر برتفی توکلی (استاد گروه برنامه ریزی آمایش سرزمین دانشگاه تربیت مدرس)

مکان: دانشگاه تربیت مدرس - دانشکده علوم انسانی - سالن دکتر میر حسینی

زمان

یکشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۵ - ساعت ۱۴ الی ۱۶



نشست سوم: تبیین اندیشه اقتصاد زیست محیطی در آمایش

سرزمین

با پیگیری انجمن علمی- دانشجویی برنامه ریزی آمایش سرزمین، جلسه سخنرانی با حضور دکتر مخدوم عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، دکتر صادقی عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس و دکتر احمدی عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس و جمعی از دانشجویان حدود ۷۰ نفر در تاریخ ۹۵/۸/۲۴ برگزار شد. اولین سخنران دکتر مجید مخدوم استاد دانشکده محیط زیست دانشگاه تهران، دکتر حسین صادقی عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس و دکتر حسن احمدی عضو هیئت علمی گروه جغرافیای دانشگاه تربیت مدرس دعوت به سخنرانی شد.



انجمن آمایش سرزمین تربیت مدرس برگزار می کند

کارگاه های تخصصی آمایش سرزمین

کارگاه مبانی سنجش از دور و آموزش مقدماتی نرم افزار **Erdas2014**

زمان:

چهارشنبه ها

ساعت ۱۰ تا ۱۶

مکان: دانشکده علوم انسانی، گروه جغرافیا

همراه با اعطاء گواهی پایان دوره برای دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

جهت هماهنگی برای ثبت نام با شماره ۹۱۸۹۸۵۷۹۶۴ تماس حاصل فرمایید

برگزاری کارگاه تخصصی سنجش از دور و نرم افزار Erdas

انجمن برنامه ریزی آمایش سرزمین با توجه به اهداف و ضرورت وجود فضایی متناسب جهت مطرح شدن مباحث جدید در رشته آمایش سرزمین و همچنین ایجاد یک گفتمان موضوع محور به برگزاری کارگاه آموزشی خود با موضوع آموزش سنجش از دور و نرم افزار Erdas در تاریخ ۹۵/۱۳/۲۴ در سالن دکتر شکویی واقع در دانشکده علوم انسانی برگزار گردید.

نشست پنجم: آینده نگاری در طرح های توسعه (آمایش سرزمین، برنامه ریزی منطقه ای و شهری) با تأکید بر سکونتگاه های انسانی

با پیگیری انجمن های علمی- دانشجویی برنامه ریزی آمایش سرزمین و انجمن های برنامه ریزی منطقه ای و برنامه ریزی شهری دانشگاه تربیت مدرس، جلسه سخنرانی با حضور دکتر مشکینی عضو هیئت علمی گروه جغرافیا دانشگاه تربیت مدرس و مهندس طاهار ربانی عضو فدراسیون جهانی آینده نگاری (wfaf) و کارشناس شرکت مهندسی مشاور بزرگ ماب و همکاری انجمن های علمی دانشجویی برنامه ریزی منطقه ای و شهری دانشگاه تربیت مدرس و انجمن علمی دانشجویی برنامه ریزی آمایش سرزمین دانشگاه تهران و جمعی از دانشجویان حدود ۹۰ نفر در تاریخ ۹۵/۱۳/۲ برگزار شد. و در این نشست هر دکتر مشکینی به عنوان دبیر پتل گزارش های از نشست های تخصصی انجمن علمی دانشجویی برنامه ریزی آمایش سرزمین ارائه کردند و بر لزوم ادامه این نشست ها تأکید داشتند و اهمیت آینده نگاری را خاطر نشان کردند، سپس دکتر رفیعیان مبانی آینده نگاری در ایران و تعریفات آن در جهان را ارائه دادند و اهمیت آن را در رشته های مرتبط ذکر کردند سپس مهندس ربانی گزارش های از آینده نگاری که در استان مختلف کار شده بود را ارائه دادند و سپس چالش ها که در آینده نگاری موجود می باشد را ارائه دادند.

انجمن علمی دانشجویی برنامه ریزی آمایش سرزمین دانشگاه تربیت مدرس با همکاری انجمن علمی دانشجویی برنامه ریزی منطقه ای دانشگاه تربیت مدرس انجمن علمی دانشجویی برنامه ریزی شهری دانشگاه تربیت مدرس انجمن علمی دانشجویی برنامه ریزی آمایش سرزمین دانشگاه تهران برگزار می نماید

سلسله نشست های تخصصی برنامه ریزی آمایش سرزمین
نشست پنجم:

آینده نگاری در طرح های توسعه (آمایش سرزمین، برنامه ریزی منطقه ای و شهری) با تأکید بر سکونتگاه های انسانی

سخنرانان:
دکتر مجتبی رفیعیان: دانشیار برنامه ریزی شهری و عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس
مهندس طاهار ربانی: کارشناس آینده نگاری شهری و منطقه ای و عضو فدراسیون جهانی آینده پژوهی (wfaf)
دبیر پتل
دکتر ابوالفضل مشکینی: استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری و عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ برگزاری نشست: دوشنبه ۱۳۹۵/۱۳/۲۴
زمان: ۱۶:۳۰ الی ۱۷:۳۰
مکان: دانشگاه تربیت مدرس - دانشکده علوم انسانی - سالن دکتر میر حسینی (طبقه ۱)
همراه با اعطاء گواهی حضور برای تمامی شرکت کنندگان

FORESIGHT

معرفی اعضا انجمن و استادان مشاور

استادان مشاور: دکتر عبدالرضا رکن الدین افتخاری - دکتر مهدی پور طاهری - خانم دکتر زهرا احمدی پور - دکتر حسن احمدی - دکتر مرتضی توکلی - دکتر ابوالفضل مشکینی

دبیر انجمن: آرام ابراهیمی

اعضا شورای مرکزی: علی مختاری کرچگانی - معصومه الطافی نژاد - بهاره ایمانی - زینب فیض اللهی - فائزه جعفر دوست - وحید عیوض زاده - نجمه باقری - فرشته شکیبایی
اعضا افتخاری انجمن: علی پور عزیز - یعقوب آستا - احسان پاشانژاد - فرض اله نظری

